

# مقدمه‌ای بر ارزشیابی مردم محور: بایسته نظری





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۳/۳/۱۳

شماره مسلسل: ۱۹۸۲۲  
کد موضوعی: ۳۸۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

مقدمه‌ای بر ارزشیابی مردم محور: بایسته نظری

نوع گزارش: طرح و لایحه ، نظارتی ، راهبردی

نام دفتر:

اداره ارزشیابی مردمی قوانین و سیاست‌ها

تهیه و تدوین کنندگان:

محسن ابن‌الدین حمیدی، زینب حاجیلو

مصاحبه شوندگان:

علی اصغر پورعزت، مجتبی امامی، مجتبی امیری، محسن میری، بهروز طهماسب کاظمی

ناظران علمی:

روح‌الله عباسی، حسین تدین، محمدرضا ابن‌الدین حمیدی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

گرافیک و صفحه‌آرایی:

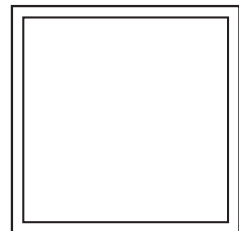
محمد دهقانی شهربابی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۵/۲۸

واژه‌های کلیدی:

- ۱. ارزشیابی مردم محور
- ۲. بایسته‌های ارزشیابی مردم محور
- ۳. حکمرانی مردمی
- ۴. ارزشیابی مشارکت



## فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۹	۱. مقدمه
۱۰	۲. روش شناسی
۱۱	۳. چپستی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست ها
۱۴	۴. بایسته های نظری ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست ها
۱۶	۵. بایسته های عملیاتی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست ها
۲۱	۶. چالش های ارزشیابی مردم محور
۲۳	۷. نتیجه گیری
۲۶	منابع و مأخذ

## فهرست جداول و نمودارها

۹	جدول ۱. پرسش های اصلی و فرعی
۱۱	جدول ۲. شبکه مضامین چپستی ارزشیابی مردم محور
۱۴	جدول ۳. بایسته های نظری ارزشیابی مردم محور
۱۶	جدول ۴. شبکه مضامین بایسته های عملیاتی ارزشیابی مردم محور
۲۱	جدول ۵. شبکه مضامین چالش های ارزشیابی مردم محور
۱۰	نمودار ۱. شبکه تحلیل مضامین
۱۳	نمودار ۲. ساختار گروه های نخبگانی در جامعه ذینفعان مداخلت
۲۱	نمودار ۳. بایسته های عملیاتی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست ها



## مقدمه‌ای بر ارزشیابی مردم محور: بایسته نظری

### چکیده



حاکمیت و تصریح اهداف حاکمیت بوده است. در بخش دیگری از یافته‌ها، بایسته‌های عملیاتی شامل: ۱. نداشتن ذی‌نفعان مداخله، ۲. فرهنگ‌سازی در ارزشیابی مردم محور، ۳. شاخص‌ها و ابزارهای کنترل، ۴. جریان یافتن اطلاعات، در باب شرایط عملی تحقق ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست‌ها گفتگو شده است. از دیگر یافته‌های این گزارش، چیستی ارزشیابی مردم محور با مفهوم‌پردازی آن با مدل رامف<sup>۱</sup> و نیز پرداختن به موضوع ارزشیابان ارزشیابی و تفاوت ارزشیابی با ارزیابی عملکرد بوده است. در بخش دیگر این گزارش بر جسته‌ترین چالش‌ها و محدودیت‌های ارزشیابی مردم محور شامل: **۱** نزدیک‌بینی سیاسی مردم، **۲** تعداد موضوع‌های دولت و محدودیت تمایلات مردم، **۳** دوراهی انتخاب رویکرد تعاملی یا خطی در ارزشیابی مردم محور مورد واکاوی قرار گرفته است. در این گزارش سعی شده است با بررسی ابعاد مختلف موضوع، گامی در پیشبرد هرچه بهتر این شکل نوین از تحقیقات برداشته شود.

درک کارایی و اثربخشی مداخلات حاکمیت، براساس چارچوب‌های سنت و فرهنگ، قوانین، نیازهای شناخته شده و دین غالب در هر جامعه متفاوت است. آگاهی از دریافت ذهنی و برساخت غالب در جامعه در مورد عملکرد دولت، می‌تواند بر خط‌مشی‌گذاری و اولویت‌های اجرای آن اثر جدی داشته باشد. یکی از اهداف ارزشیابی سیاست‌ها و قوانین از نگاه مردم، درک چگونگی اجرای یک خط‌مشی و مدیریت کردن عواقب ناخواسته مداخلات (تحقیقات حین اجرا) بر ذی‌نفعان آن و نیز میزان پایداری تغییرات ایجاد شده در جامعه (تحقیقات پس از اجرا) برای خط‌مشی‌گذار است. همچنین این نوع ارزشیابی بعضاً امکان بازنگری را در مداخلات مهیا می‌کند. در واقع قدرت و اثربخشی بر خاسته از «خواست اجتماعی» می‌تواند به بهبود اجتماعی مستمر و فزاینده کمک بیشتری کند.

نگاره پیش‌رو، با روش گروه‌کانونی و روش تحلیل مضمون تدوین شده است. محور اصلی مباحث و یافته‌های اصلی در این گزارش، تأکید بر بایسته‌های نظری شامل پیش‌فرض‌های ارزشیابی

1. ROAMEF: Rationale Objective Appraisal Monitoring Evaluation Feedback



## بیان / شرح مسئله

نگاره حاضر به تبیین بایسته‌های نظری و عملی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست‌ها پرداخته است. در این نشست مرکز پژوهش‌های مجلس میزبان گروهی از اساتید برجسته مدیریت دولتی دانشگاه‌های برتر بوده است تا پیرامون سؤال‌های بنیادین ارزشیابی مردم محور، چرایی و چگونگی آن گفتگو کنند.

در این گزارش ارزشیابی مردم محور تعریف شده و به سؤال‌های دیگری از قبیل ویژگی‌های ارزشیابی مردم محور، جایگاه مردم در آن، کیستی فرد ارزشیاب نیز پاسخ داده شده است. بخش دوم به سؤال‌های مربوط به بایسته‌های نظری ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست‌ها و گام‌های عملیاتی آن معطوف شده است. در بخش سوم نیز چالش‌های این گونه از ارزشیابی با این محوریت که آیا مردم مجاز به ارزشیابی هستند؟ چه موضوعاتی را می‌توانند ارزشیابی بکنند؟ مورد گفتگو قرار گرفت و پاسخ‌هایی از منظر اندیشمندان حوزه مدیریت دولتی ارائه شده است.

## نقطه نظر/ یافته‌های کلیدی

چیستی و ذات ارزشیابی را نوعی ارزیابی سیستماتیک از طراحی، اجرا و پیامدهای یک مداخله تعریف کرده‌اند. ارزشیابی مردم از مداخلات، قضاوت‌های و بر ساخت‌های ذهنی افراد در خصوص خوبی و بدی مداخلات، برنامه‌ها، کنش‌های حاکمیت در جامعه است که بر ایجاد ارزش ذهنی دلالت دارد و به‌طور مستمر در حال انجام شدن است. ناظر به ساحت عمل نیز به‌صورت تأخیری در افعال و کنش اجتماعی، سیاسی و حتی رفتار اقتصادسویه افراد قابل مشاهده است. از سوی دیگر این استدلال که قضاوت‌های افراد روی رفتار آنان تأثیر گذار است؛ با فرض وجود "حافظه جمعی" در جامعه، می‌تواند سبب ایجاد الگوهای رفتار جمعی در ساحت کنشگری اجتماعی شود. مضاف بر آن ویژگی شیوع ذهنیت‌ها در بین افراد ناآگاه از موضوع، می‌تواند سبب برساختن ذهنیت‌های مثبت یا منفی شود. مواجهه منفعلانه با آن، برخی مواقع لطمات جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌سازد. بنابراین مطالعه این قضاوت‌های ذهنی، می‌تواند در پیش‌بینی الگوی کلان رفتار اجتماعی کمک‌رسان باشد و انتقال آن به سیاستگذار نیز بینش

مطلوب‌تری در طراحی، اجرا و پایش خط‌مشی ایجاد کند. از آنجا که این ارزشیابی‌ها به دلیل ویژگی‌های صیوریت آن مدام در حال تغییر و تحول درونی است؛ ضرورت مطالعه ارزشیابی‌های مردم محور را به شکل سیستماتیک کاملاً محرز ساخته است.

در باب بایسته‌های نظری ارزشیابی مردم محور<sup>۱</sup>، تعیین پیش فرض‌های ارزشیابی حاکمیت که با آن بنیان‌ها و اصول حکمرانی جمهوری اسلامی بنا می‌شود؛ به‌عنوان اولین بایسته بنیادین این مسیر است. پیش فرض‌های مطرح شده عبارتند از: اول «متقابل بودن حقوق همه مردم» و از جمله حاکمیت نسبت به مردم و مردم نسبت به حاکمیت است که حق حاکمیت بر مردم، مشاوره و نصیحت حاکمان است. پیش فرض دوم، «اصالت بخشیدن به مردم در جامعه اسلامی نسبت به حکومت» است. سوم، «نظارت بر مسند قدرت» که جایگاه فساد و لغزش است. در باب بایسته‌های عملی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست‌ها، چهار شاخص اصلی تدوین شده است: اول، ناظر به «جریان یافتن اطلاعات» به شکل دوسویه بین جامعه و حاکمیت شامل: الف) انتشار اطلاعات از سمت حاکمیت، ب) اطلاع نظام‌مند و مستمر از قضاوت‌های مردم. دوم، «نگاشت ذی‌نفعان مداخله» با اهداف پاسخگویی و یادگیری در سه محور: الف) تمرکز بر بدنه حاکمیت (نهادهای مدنی، سمن‌ها و نخبگان. ج) عامه مردم. سوم، «فرهنگ‌سازی در راستای ارزشیابی مردم محور» با تأکید در سه محور الف) ترویج فرهنگ خط‌مشی‌گذاری شواهدمحور<sup>۲</sup> در جهت استفاده از اطلاعات و کلان داده‌ها در خط‌مشی‌گذاری، به‌عنوان امری بدیهی و اصول پایه در خط‌مشی، ب) فرهنگ گفتگوی عمومی در بستر قانون‌گرایی و بی‌طرفی دولت‌ها به‌عنوان فضای عمومی ارائه‌اندیشه‌ها و انتقادها به حاکمیت، ج) فرهنگ پاسخگویی حاکمیت که یکی از اهداف اصلی پژوهش‌های ارزشیابی مردم محور محسوب می‌شود. چهارم، بهره‌گیری از «شاخص‌ها و ابزارهای کنترل» که در این شاخص نیز سه محور مورد توجه قرار گرفت: الف) طراحی شاخص‌های ترکیبی به‌مثابه راهبردی در ارزشیابی مردم محور به شکل بومی و براساس فرهنگ و اقتضات جامعه ایرانی، ب) راه‌اندازی زنگ‌های هشدار<sup>۳</sup> به‌عنوان ابزاری

۱. به نقل از دکتر مجتبی امیری.

2. evidence base policy making  
3. fire alarms



گفتمان‌سازی آن باید حرکت کرد. برای هر چه بهتر عملیاتی شدن ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها، باید به چهار عامل توجه جدی شود:

**الف)** تمهید ساز و کار جریان یافتن دوسویه اطلاعات به صورت نظام‌مند و مستمر؛ از سمت حاکمیت در قالب شفافیت عملکردی و از سوی مردم در قالب قضاوت‌های مردم در خصوص عملکرد حاکمیت.

**ب)** نداشتن ذی‌نفعان هر یک از مداخلات حاکمیت به منظور تعیین نقش و اثرپذیری هر یک از ذی‌نفعان در فرایند مداخله، **ج)** فرهنگ‌سازی کاربست اطلاعات در بین مدیران، فرهنگ پذیرش نقد و قضاوت‌های عمومی و فرهنگ پاسخگویی مدیران به نهاد حاکمیت و مردم.

**د)** ایجاد شاخص‌ها و ابزارهای کنترل اعم از طراحی شاخص‌های ترکیبی، زنگ‌های هشدار و دماسنج اجتماعی به عنوان ابزار کلیدی برای تصمیم‌گیری به موقع و طراحی خط‌مشی مناسب. همچنین برای تسهیل انجام این نوع ارزشیابی‌ها، بر حمایت‌های قانونی و همکاری در استفاده از اطلاعات و داده‌های موجود در نهادهای دولتی، مراکز تحقیقاتی عمومی و خصوصی مانند افکارسنجی‌ها و غیره در قالب تبادل اطلاعات و داده صورت پذیرد. در انتها عنوان می‌شود با توجه به نوپدید بودن ارزشیابی مردم‌محور، پیشنهاد می‌شود نشست‌های علمی و نخبگانی در حوزه‌های بین‌رشته‌ای در گروه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی برای ارتقا و بهبود روند این گونه از پژوهش‌ها در مرکز پژوهش‌های مجلس دنبال شود.

کنترلی برای دستگاه‌های مختلف، با هدف آگاهی مستمر از رضایت‌مندی مردم از خدمات و عملکرد نهادهای دولتی و عمومی، **ج)** به کارگیری دماسنج اجتماعی به عنوان مقیاسی جامعه‌شناختی در طراحی و بازطراحی مداخلات و امکان کنشگری تنظیم شده از سوی خط‌مشی‌گذار.

بخش سوم نیز به چالش‌های اجرای ارزشیابی مردم‌محور در دو بعد اصلی پرداخته است: **الف)** «نزدیک‌بینی سیاسی مردم» که اشاره به حدود و ثغور دخالت مردم در امر حاکمیت دارد. در نظر گرفتن عامه مردم به منزله مشارکت‌کنندگان اصلی در تصمیمات و یا افرادی که به دلیل افق سیاسی کوتاه‌مدت، منافع فردی را بر منافع جمعی ترجیح داده و بنابراین مرجع قابل اطمینان در امر حکمرانی نیستند. **ب)** «تمایلات متفاوت مردم در انجام ارزشیابی» از دیگر محدودیت‌های تسهیلگران ارزشیابی به شمار می‌آید. عموم مردم لزوماً ذی‌نفعانی آگاه و علاقه‌مند امور سیاسی نبوده و به طبع باید از حیثه مطالعه خارج شوند که این امر انتخاب گروه نمونه را دچار چالش می‌کند. **ج)** «رویکرد خطی به ارزشیابی مردم‌محور» که در مقابل رویکرد تعاملی قرار می‌گیرد و در آن چالش میان مشارکت آحاد مردم در امر حکمرانی از تصمیم‌گیری در اولویت‌ها تا اجرا و ارزیابی و پایش نحوه اجرا، دامنه وسیعی را پیش‌روی خط‌مشی‌گذار قرار داده است.

### پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در مورد نقش مردم در حکمرانی و استدلال‌های خبرگان؛ اهمیت پرداختن به ارزشیابی مردم‌محور و توجه به نظر‌ها و چرایی نگرش مردم، امری محرز است؛ لذا در جهت

## ۱. مقدمه

نوع بینش نسبت به بر ساخت مردم از میزان و شیوه مداخلات حاکمیت می تواند بخشی از جریان ارزشیابی مردم نسبت به خط مشی های اعمال شده تلقی شود. اهمیت آن زمانی برجسته تر می شود که اثر این قضاوت ها و ارزش گذاری های جامعه نسبت به خط مشی، تصویری از هویت نهادی حاکمیت می سازد.

امروز در جهان سازو کارها و نهادهای متعددی شکل گرفتند که ارزشیابی مردم محور را سامان دهی می کنند. صرفاً نه اینکه در تلاش برای اخذ نوع نگرش و ذهنیت مردم باشند یا اینکه مردم چه فکر می کند؛ بلکه مداخلات متعددی با هدف باز تولید هویت نهادی حاکمیت طراحی و اجرا می شود. در ساحتی دیگر با استفاده از این ابزارهای قدرتمند با جهت بخشی به افکار عمومی، ذائقه و سبک زندگی را شکل می دهد. در بیانات مقام معظم رهبری<sup>۱</sup> آمده است که «خیلی اوقات ما سیاستگذاران بسیار زیادی داریم که در خارج از عرصه سیاستگذاری ملی خودمان، با کنترل و جهت دهی به قضاوت ها، مردم ما را اداره می کنند». نمونه بارز این شکل دهی به افکار عمومی براساس گفتمان های دانش قدرت قابل تبیین است. برای مثال ادبیات غنی که براساس شاخص های ترکیبی موجود در گزارش های جهانی، به سنجش حاکمیت در کشورها پرداخته است. شاهد مثال آن گزارش سالانه مربوط به «شاخص ها به عنوان سازو کارهای حکمرانی جهانی امروز»<sup>۲</sup> است که براساس تولید مقیاسی برای تعریف میزان پیشرفت به القای جلوتر و عقب تر بودن، به القای احساس عقب ماندگی و شکل دهی به افکار عمومی مبادرت داشته است. بدین صورت بدون نیاز به دولت سازی، تفکرات یک ملت را نسبت به خود و جهان شکل می دهند و این موضوع نیازمند مدیریت است.

### جدول ۱. پرسش های اصلی و فرعی

محور اصلی بحث	سوالات اصلی و فرعی
فهم چپستی ارزشیابی (هستی شناسی <sup>۳</sup> )	ارزشیابی چیست؟
	فرعی: مفهوم و ذات ارزشیابی چیست؟
	فرعی: ویژگی های ارزشیابی مردم محور چیست؟ جایگاه مردم در این ارزشیابی کجاست؟
(معرفت شناسی اجتماعی <sup>۴</sup> )	فرعی: فرد ارزشیاب چه کسی هستند؟
	فرعی: تفاوت ارزشیابی مردم محور با ارزیابی عملکرد
	اصلی: بایسته های نظری ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست ها چیست؟
هستی شناسی ارزشیابی مردم محور	فرعی: پیش فرض های ارزشیابی چیست؟
	فرعی: اهداف ارزشیابی چیست؟
	اصلی: بایسته های عملیاتی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست ها چیست؟
فهم چگونگی ارزشیابی	فرعی: گام های عملیاتی در ارزشیابی مردم محور چیست؟
	چالش های ارزشیابی مردم محور کدامند؟
دوره ای انتخاب رویکرد تعاملی یا خطی نزدیک بینی سیاسی - تعدد موضوعات دولت - تمایلات متفاوت مردم	فرعی: آیا مردم مجاز هستند هر چیزی را ارزشیابی بکنند؟
	فرعی: آیا مردم می توانند هر چیزی را ارزشیابی بکنند؟

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)، دیدار با مسئولان سازمان صدا و سیما؛ پانزدهم بهمن ماه ۱۳۸۱.

2. indicators as mechanism of global governance

3. Anthology

4. Epistemology



مباحث گزارش حاضر بر چهار محور اصلی تنظیم شده است. ابتدا بر مفهوم، ماهیت و ذات ارزشیابی توجه شده است. در بخش دوم، منظور از مردم‌محور بودن ارزشیابی و نیز شناسایی دامنه و حیطه ذی‌نفعان و ارزیابان در تحلیل یک مداخله مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم و چهارم به دو بحث محوری در خصوص بایسته‌ها و پیش‌شرط‌های نظری در ارزشیابی مردم‌محور و نیز بایسته‌ها و پیش‌شرط‌های عملی ارزشیابی شامل ابزارها و رویکردهای روش‌شناختی در قالب زیرساخت‌های افکارسنجی تلفیقی (کمی و کیفی) مورد گفتگو قرار گرفته است. در پایان نیز به برخی از مهم‌ترین چالش‌های ارزشیابی و جمع‌بندی نهایی بحث پرداخته شده است.

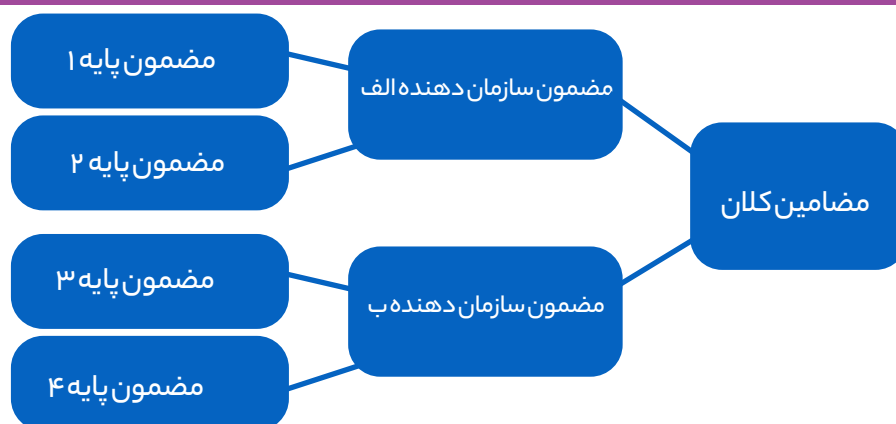
## ۲. روش شناسی

در این گزارش در پی پاسخ به سؤال‌های مربوط به بایسته‌ها و چگونگی اجرای ارزشیابی مردم‌محور از روش گروه کانونی (مصاحبه با خبرگان) در مرحله جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. گروه کانونی یک روش تحقیق کیفی است که برای جمع‌آوری بینش و نظرات عمیق از گروهی از افراد در مورد یک محصول، خدمات، مفهوم یا ایده خاص استفاده می‌شود. گروه‌های تمرکز بر اساس ویژگی‌های مشترک مانند جمعیت‌شناسی، علایق یا تجربیات انتخاب می‌شوند (Klagge, 2018). در این گروه کانونی از اساتید برجسته حوزه مدیریت دولتی ضمن ارسال سوالات اصلی، جهت شرکت در جلسه دعوت به عمل آمده است.

در همین راستا از جمعی از اساتید و صاحب‌نظران خبره در حوزه مدیریت دولتی با ارسال سؤال‌هایی به صورت پیشینی، دعوت به عمل آمده است. مباحث پِنل خبرگانی عمدتاً به صورت همگرا و در تکمیل و ارتقای پیاده‌سازی مدل بایسته‌ها و الزامات ارزشیابی مردم‌محور بوده است و در نقاطی نیز به صورت واگرا مباحثی ذکر شده است که به شکل رویکردهای مختلف به موضوع در گزارش صورت‌بندی شده است.

در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> بهره گرفته شده و روش تحلیل مضمون بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی موجود در داده‌های کیفی تمرکز دارد. شناخت مضامین مبتنی بر سؤال‌های تحقیق و کشف داده‌های ارزشمندی است که محقق متناسب با مسئله خود از متن دریافت می‌کند. ساختار انتزاعی شبکه مضامین بر سه مرحله استوار است: **۱** مضامین کلان (با بیش‌ترین سطح انتزاع) **۲** مضامین سازمان‌دهنده **۳** مضامین پایه (کم‌ترین سطح انتزاع و نزدیک به متن اصلی). روش‌های مختلفی برای شناخت مضامین وجود دارد مانند توجه به کلمات در متن، موشکافی و دقت در متن، توجه به خصوصیات زبان‌شناختی متن، دست‌کاری و جابه‌جایی فیزیکی متن. مراحل تحلیل مضمون از دیدگاه بروان و کلارک (۲۰۲۱) در شش مرحله انجام می‌گیرد: **۱** آشنا شدن با داده‌ها، **۲** ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، **۳** جستجو و شناخت مضامین، **۴** ترسیم شبکه مضامین، **۵** تحلیل شبکه مضامین، **۶** تدوین گزارش. [۱] این گزارش با شناسایی چهار مضمون کلان شامل: **۱** چيستی ارزشیابی مردم‌محور، **۲** بایسته‌های نظری ارزشیابی مردم‌محور، **۳** بایسته‌های عملی ارزشیابی مردم‌محور، **۴** چالش‌های ارزشیابی مردم‌محور؛ ساختار اصلی گزارش را تدوین کرده است.

### نمودار ۱. شبکه تحلیل مضامین



### ۳. چستی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاستها



در مبحث چستی ارزشیابی به ابعاد مفهومی دو کلیدواژه اصلی، ارزشیابی و مردم محور بودن پرداخته شده است. شبکه مضامین بدست آمده از این بخش در جدول زیر به طور مختصر آمده است:

جدول ۲. شبکه مضامین چستی ارزشیابی مردم محور	
مضامین سازمان دهنده	کلان مضمون
مفهوم ارزشیابی مردم محور	چستی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاستها
ارزشیابان ارزشیابی مردم محور	
تفاوت ارزشیابی مردم محور با ارزشیابی عملکرد	

**پدیده‌های موجودی هستند که چه بخواهیم یا نخواهیم؛ درست یا نادرست؛ به طور مستمر در حال تولید شدن هستند.** این ارزشیابی‌ها دائماً وجود دارند و در حال باز تولید است. در ساحت دیگر نمود گستره این ارزشیابی‌ها را می‌توان به صورت تاخیری در افعال و کنش اجتماعی و سیاسی یافت؛ چراکه ارزشیابی و **قضایوت افراد روی ذهنیت و رفتار آنها تاثیر گذار است.** البته این امر در ایجاد الگوهای رفتار جمعی موثر است. این ارزشیابی در حال **صیرورت به معنای شدن و تغییر و تحول درونی** است. به عبارت دیگر هیچ‌گاه ارزشیابی‌ها ثابت باقی نمی‌مانند.

#### ۲-۳. ارزشیابان ارزشیابی مردم محور

از آنجا که مخاطب حکمرانی مردم هستند؛ یکی از نقش‌های مردم در حکمرانی مشارکت در اداره جامعه است و بخش دیگر، نقش مردم در خط‌مشی‌گذاری و مسئله‌یابی است؛ لذا سؤال‌هایی در بحث بازشناسی ارزشیابان ارزشیابی مردم محور مطرح می‌شود؛ مانند اینکه از چه کسانی باید برای ارزشیابی مردم محور بهره گرفت؟ خط‌مشی‌گذار چگونه باید مسائل پیش روی خود را اولویت‌بندی کند؟ اولویت اجرا و تخصیص منابع بر چه موضوعی قرار بگیرد؟

#### ۱-۳. مفهوم ارزشیابی مردم محور<sup>۱</sup>

ارزشیابی عبارت است از قضاوت آدم‌ها در مورد خوبی یا بدی چیزی؛ به عبارتی ارزشیابی، نوعی ارزیابی مبتنی بر ایجاد ارزش ذهنی است. ارزشیابی یک ارزیابی سیستماتیک از طراحی، اجرا و پیامد یک مداخله است. شامل این درک می‌شود که چگونه یک مداخله اجرا شده است، یا اجرا می‌شود و چه تأثیراتی بر چه کسی و چرا دارد. آنچه را که می‌توان بهبود بخشید شناسایی می‌کند و تأثیرات کلی و مقرون به صرفه بودن آن را تخمین می‌زند. این ارزشیابی در تمام مراحل چرخه حیات خط‌مشی نقش دارد. براساس چارچوب رامف<sup>۲</sup>، ارزشیابی از بیان منطق خط‌مشی و تعیین اهداف، تارزیابی گزینه‌ها و در نهایت اجرا و ارزشیابی نهایی از جمله باز خورد شواهد ارزشیابی نسبت به چرخه خط‌مشی، می‌تواند طراحی شود [۲]. ارزشیابی عملکرد حاکمیت و امر حکمرانی براساس پیامدهای آن، بروز اجتماعی یافته است؛ لذا با پدیده ارزشیابی جامعه در خصوص مداخلات و کنش‌های حاکمیت و نیز قضایوت افراد در مورد عملکرد حاکمیت مواجه هستیم. نباید توجه داشت که ارزشیابی‌های مردم از مداخلات حاکمیت،

1. People-centered Evaluation.

۲. منظور از «مداخله» یا همان intervention؛ هر سیاست، برنامه یا سایر فعالیت‌های دولتی است که منظور آن ایجاد تغییر است.

۳. ROAMEF: چرخه رامف یک شیوه علمی برای ارزیابی و ارزشیابی همه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها است که همه مراحل کلیدی در توسعه یک پیشنهاد را در ۶ مرحله شامل ۱. مبنای منطقی (Rationale) ۲. هدف (Objective) ۳. ارزیابی (Appraisal) ۴. پایش (Monitoring) ۵. ارزشیابی (Evaluation) ۶. باز خورد (Feedback) طی می‌کند و سپس این فرایند به صورت چرخشی ادامه می‌یابد تا یک خط‌مشی به صورت علمی مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد.



اجرا چطور و چقدر از ظرفیت مردم بهره ببرد؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، به‌عنوان مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور اشاره می‌فرماید و جوانان کشور را محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی می‌کند. همچنین در فرازی دیگر از این بیانیه، به ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم اشاره می‌فرماید و در بیان برکات انقلاب اسلامی تصریح می‌کند، «انقلاب اسلامی بینش سیاسی آحاد مردم را با ارتقای نسبت به مسائل بین‌المللی، فهم از موضوع‌های منطقه را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشن فکر، بیرون آورد؛ این‌گونه روشن‌فکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.»

در این بحث دو رویکرد اصلی مطرح است: رویکرد اول قائل به نمایندگی حلقه میانی است، بنابراین جایگاه ارزشیابی را برای گروه‌های خاصی از جامعه یعنی حلقه‌های میانی و نخبگانی مناسب می‌داند. رویکرد دوم قائل به اصالت خرد جمعی در سایه آرای عمومی جامعه است.

رویکرد اول معتقد است حکمرانی ملزم به پوشش دهی همه اعضا جامعه است اما همه اعضای جامعه امکان اعمال نظر در حکمرانی ندارند. اگر جامعه را در دو بخش توده مردم و نخبگان در نظر بگیریم؛ مردم به دلیل ماهیت پراکندگی در جامعه، نه توانایی خودسامان‌دهی دارند و نه توان بیان رسایی از حرفشان به ساحت حکمرانی را دارند. قشر نخبگان نیز دو دسته‌اند: برخی نخبگان وارد عرصه قدرت می‌شوند و نخبگان حاکمیتی نامیده می‌شوند؛ و

برخی دیگر شامل نخبگان غیر حاکمیتی هستند که به عرصه قدرت ورود نیافته‌اند. نخبگان حاکمیتی در نقش نهاد واسط بین توده و حاکمیت نقش ایفا می‌کنند؛ لذا وقتی از واژه مردم استفاده می‌شود، در اینجا نوعی مغالطه مستتر وجود دارد. توجه ویژه به حلقه‌های میانی از رویکردهای متعارف جامعه امروز است و نیز از راهکارهای مهم در اداره جامعه محسوب می‌شود. در فرایند نهادی شدن، عمدتاً گروه‌های مردم‌نهاد و سمن‌ها، حلقه‌های میانی را در جامعه نمایندگی می‌کنند؛ لذا در این نگاه، ارزشیابی ارزشیابی مردم‌محور نیز از حلقه‌های میانی جامعه برمی‌آید.

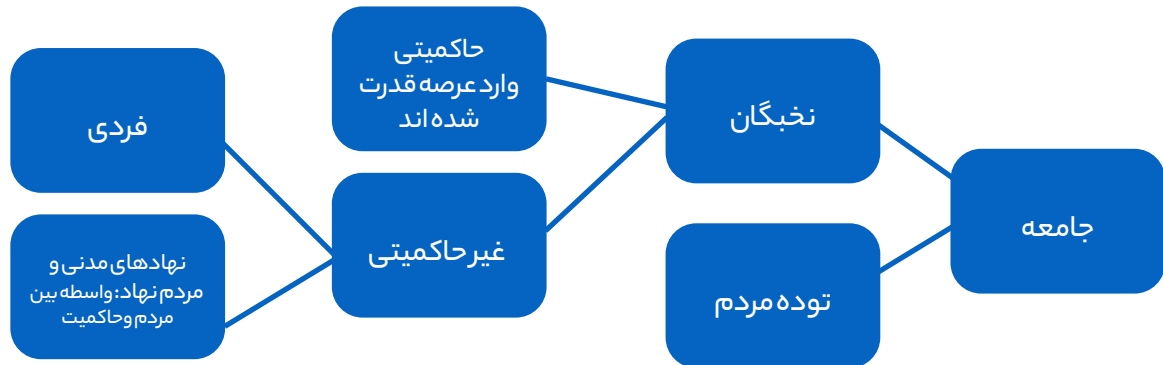
رهبر انقلاب در خردادماه ۱۳۹۸ به صورت مبسوط به بیان مفهومی به نام «جریان‌های حلقه‌های میانی»<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی پرداختند. حلقه‌های میانی با تأسی به رهنمودهای رهبر معظم انقلاب گروه‌های خودجوش از میان آحاد جامعه هستند که پیگیری‌کننده و تبیین‌کننده سیاست‌های رهبری در جامعه و پیشران‌هایی برای تحقق اهداف و سیاست‌های انقلاب در جامعه هستند. این گروه‌ها تشکلهایی فعال و پویا و منعطف با انطباق‌پذیری بالا هستند که در آن فرد یا نهاد تفاوتی نمی‌کند؛ بلکه ویژگی اصلی آن است که افرادی باتجربه، فعال، آگاه و دغدغه‌مند در هسته فعالیت قرار می‌گیرند که «اثربخشی و کارکرد» دارند. نقش کلیدی آنان نیز انتقال‌دهنده و تبیین‌کننده راهبردها و اهداف امام و انقلاب در جامعه است [۳].

به نظر می‌رسد حاکمیت در مراحل اولیه فرایند خط‌مشی‌گذاری<sup>۲</sup> یعنی در مراحل تعریف مشکل و طراحی خط‌مشی می‌تواند از نگرش و نظرهای حلقه‌های میانی بهره بگیرد و در ارزیابی خط‌مشی در مقطع اجرا و پیامد نیز از نظر عموم جامعه برخوردار شود.

۱. «برای ایجاد یک حرکت عمومی به سمت چشم‌انداز انقلاب، به چهار عنصر احتیاج داریم: ۱- شناخت صحنه ۲- جهت‌گیری مشخص (به سمت تمدن اسلامی) ۳- عوامل امیدبخش ۴- راهکارهای عملیاتی. این چهار عنصری که گفتیم، تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [امور] آخری که مسئله راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت بی‌دری و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامہ کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است.» با توجه به مجموع مباحثاتی که در پیرامون مفهوم «حلقه‌های میانی» صورت گرفته، می‌توانیم حلقه‌های میانی را جریانی بین امام امت و آحاد مردم در نظر بگیریم که در این سطح نقش‌آفرینی می‌کنند. به این معنی که حلقه‌های میانی به مثابه پیشران‌های جامعه، نقش موتور محرک و پیش‌برنده جامعه را ایفا می‌کنند.

این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است «بنابر این خاستگاه حلقه‌های میانی، مردم و ملت هستند. در ادامه رهبر انقلاب تشکل‌های دانشجویی را به‌عنوان نمونه‌هایی از حلقه‌های میانی برمی‌شمرد و تأکید می‌کند: «تشکل‌های دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال تر باشد، مؤثر تر است؛ یعنی زمام کار، دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمی‌خورد.»

## نمودار ۲. ساختار گروه‌های نخبگانی در جامعه ذینفعان مداخلات



و گنج‌کننده باشد و این در حالی است که استمرار این جریان باعث از دست دادن مردم می‌شود. راهکار اصلی ارتقای آگاهی اجتماعی و به اشتراک گذاری اطلاعات در جامعه است. برای مثال یکی از سازوکارهایی که در صدر اسلام وجود داشته و در زمان انقلاب ایران نیز همچنان کارکرد بسیار خوبی داشت؛ نماز جمعه است. نماز جمعه به مثابه یکی از قواعد اسلام، محل انتشار و ارائه اطلاعات مهم و دشمن‌شناسی است؛ همان‌طور که در اوایل انقلاب، بیشتر خطبه‌ها، محل انتشار اطلاعات و بصیرت‌افزایی در جامعه بوده است؛ اما امروزه اهداف مدنظر بعضاً به‌طور کامل محقق نمی‌شوند. یک نکته بسیار مهم، در اینجا وجود بالقوه این قضاوت‌ها و ارزشیابی‌ها در اذهان عامه مردم است. ممکن است در مقام حاکمیت، قضاوت مردم را قضاوت اشتباه و نادرستی قلمداد کنند؛ اما داوری بر محتوای قضاوت و رأی مردم اشتباه است. آنچه اهمیت دارد، آگاهی یافتن از این موضوع است که مردم چگونه فکر می‌کنند؟ و چه نگاهی به حاکمیت دارند؟ چه تفسیری از افعال حاکمان خود دارند؟ قضاوت اصل آن چیزی است که از خط‌مشی درک می‌کنند. به تعبیری دیگر ارزشیابی فراتر از مشارکت در انتخابات و یا آمدن به کف خیابان‌هاست. طراحی یک خط‌مشی بدون دانستن اینکه مردم چه فکر می‌کنند و ذهنیت آنان چیست، نمی‌تواند موفق عمل کند؛ چرا که ارزشیابی عموم مردم روی ذهنیت آنان و رفتار و کنش آنان تأثیر می‌گذارد؛ لذا مهم این است که بدانیم مردم یک خط‌مشی را چه چیزی فهم می‌کنند؟ با آن چگونه مواجهه می‌شوند؟ و چگونه با آن رفتار می‌کنند؟ در اینجا دو دستور کار به‌وجود می‌آید: **۱** فهم چیستی ارزشیابی مردم‌محور، **۲** فهم چگونگی ارزشیابی مردم‌محور.

در رویکرد دوم، به عامه مردم به‌عنوان ارزشیاب توجه شده است. در همین راستا حضرت امیر علیه‌السلام در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر فرموده‌اند: «نیکوکاران را در زبان مردم چنان که در وصف آنان گفتند، توان شناخت»<sup>۱</sup> و در جای دیگری از همین نامه فرموده‌اند: «ستون دین و انبوهی مسلمین و سازوبرگ در برابر دشمنان، عامه مردم هستند»<sup>۲</sup> [۴]. این جملات نشان‌دهنده اهمیت عامه مردم از منظر نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. عامه مردم شاخص تشخیص خیر و ستون دین هستند. این جملات از سوی کسی مطرح می‌شود که حکومت او بیشترین آسیب را از قبیله‌گرایی مردم خورده است.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که براساس همین فراز نهج‌البلاغه، مردم مکلف به ارزشیابی مداخلات هستند؛ به شرط آنکه وسع و دانش آن را داشته باشند. اگر حاکمیت اجازه چنین کاری را به عامه مردم ندهد، نوعی بدعت در سنت اسلام است. از زمان معاویه این بدعت‌ها شکل گرفتند و ما هم اسیر بعضی از این بدعت‌ها در حکمرانی هستیم. در مجموع به‌نظر می‌رسد که نتوانستیم سبک حکمرانی خود را مسلط کنیم.

حال این سؤال مطرح می‌شود که در حکمرانی صدر اسلام عامه مردم چه جایگاهی دارند که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در آخرین فرازها و در آخرین نامه‌های خودش چنین از نقش و اهمیت مردم سخن می‌گوید در حالی که بیشترین آسیب را از انحراف مردم خورده است؟ در اینجا مسئله بنیادین آگاهی مردم است. مردم باید آگاه شوند و اصطلاحاً به وضعیت بلوغ عامه برسند تا بتوانند عملکرد حکومت را ارزشیابی کنند. استفاده از واژگان تخصصی و ادبیات کارشناسانه باعث شده است که مسائل حکمرانی برای مردم مبهم

۱. «وَ إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرَى اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ»

۲. «وَ إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ، وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَ الْعِدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ، فَلْيَكُنْ صُغُوكَ لَهُمْ، وَ مَمْلِكَ مَعَهُمْ.»



آنان را زیر سؤال برده و بنابراین مقاومت را در اجرای یک ارزشیابی واقعی و دقیق می‌افزاید [۵].  
ارزشیابی یک مداخله، تخمین اثر سیاست بر گروه‌های هدف و غیره هدف و تأثیرات آنی و آینده آن مداخله را شامل می‌شود. سازمان‌های دولتی به‌طور معمول گزارش اقدام‌های بازده سیاست خود را ارائه می‌دهند و نسبت به تأثیرات چنین بازدهی بر شرایط اجتماعی و تصور ایجاد شده در اذهان عموم جامعه غفلت دارند [۵].  
هوشیاری نسبت به عدم تنزل مفهوم ارزشیابی عملکرد حکمرانی با مفهوم ارزیابی عملکرد مرسوم در سازمان‌ها در این است که این رویه ارزشیابی، گرفتار روندی مشابه روش‌های مرسوم در ارزیابی عملکرد از جمله شاخص‌ها، فرم‌ها و رویه‌ها نشود.

**۳-۳. تفاوت ارزشیابی مردم‌محور با ارزشیابی عملکرد**  
یک اشتباه رایج در سطح اجرا، رغبت مدیران به ارزیابی عملکرد خود است که مبتنی بر شاخص‌های به‌شدت تقلیل‌گرایانه است. تقلیل‌گرایی در بسیاری از مواقع مربوط به پوشاندن خلأهای داده است؛ و راهکار آن را در تقلیل شاخص‌ها به سنجش تعداد کمی از ابعاد با داده‌هایی بسیار محدود دیده‌اند. در واقع با دست‌آویختن به بخشی از شاخص‌های رتبه‌بندی در جهان، سعی در توجیه ضعف خود دارند. در واقع یکی از علل ناکامی سنجش اثر خط‌مشی‌ها و ارزیابی واقعی مداخلات دولت، تمایل مدیران به «تأیید» اقدام‌هایشان است؛ لذا مطالعه و ارزشیابی می‌تواند مستعد این خطر باشد که شایستگی مدیر و سیاست‌ترجیحی دنبال شده از سوی

#### ۴. بایسته‌های نظری ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها

برای حکمرانی جمهوری اسلامی مطرح هست و دوم ایجاد شفافیت و صراحت در تعیین اهداف حاکمیت در قبال اداره جامعه است که و در جدول زیر به‌طور مختصر آمده است.

در این بخش به ملزومات پیشینی در ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها، در دو محور اصلی پرداخته می‌شود. شبکه مضامین بدست آمده در دو بایسته ابتدا تعیین پیش‌فرض‌های ارزشیابی که

جدول ۳. بایسته‌های نظری ارزشیابی مردم‌محور

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	کلان مضمون
پیش‌فرض اول: متقابل بودن حقوق همه مردم	تعیین پیش‌فرض‌های ارزشیابی حاکمیت	بایسته‌های نظری ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها
پیش‌فرض دوم: اصالت در جامعه اسلامی با مردم است نه حکومت		
پیش‌فرض سوم: نظارت بر مسند قدرت		
-	تصریح در اهداف حاکمیت	

پنداشته و پاسخ مناسب می‌دهد یا آنکه در وجود واقعیت‌های محیطی شک کرده، آنها را نادیده می‌گیرد. اما بر اساس تجربیات سازمان‌های موفق و مشروعیت‌دار، ترجیح می‌دهند و یا مجبورند که این تردید را به حالت تعلیق درآورند و محیط نهادی را واقعی و با اهمیت تلقی کنند؛ چرا که شک در این موارد برای سازمان‌ها کار آسانی نیست و مستلزم تحمل هزینه‌های نهادی است [۶].  
در اصول تشکیل حکومت اسلامی نیز یکی از مهم‌ترین مفروضات، بحث حقوق مردم بر حکومت و حکومت بر مردم است. در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه، بخش چهارم با موضوع حقوق متقابل رهبر و مردم

**۴-۱. تعیین پیش‌فرض‌های ارزشیابی حاکمیت**  
پیش‌فرض‌های یک نظام یا سیستم فرضیات بدیهی است که یک سیستم یا نظام حکمرانی بر پایه آن، طرح‌واره خود را ترسیم و مبتنی بر قواعد آن طرح‌واره عمل می‌کند. در اینجا سه پیش‌فرض اصلی که در نظام حکمرانی اسلامی مبتنی بر ارزشیابی مردم‌محور باید وجود داشته باشد، ذکر شده است:

**پیش‌فرض اول: متقابل بودن حقوق همه مردم**  
در مواجهه حاکمیت به‌مثابه یک نهاد سازمان‌یافته با واقعیت‌های محیطی خود در جامعه، دو راه در پیش دارد: یا آنها را واقعی

فرایند هم به تدریج موجب کم رنگ شدن نظارت عوامل بازرسی درونی و بیرونی شد [۶].

بر همین اساس قصور در نظارت درست و کامل بر یکایک مسئولان، یکی از خطاهای نظام و حاکمیت است. با این استدلال که این انقلاب بر قامت امام خمینی آراسته شده است؛ با اعتماد کامل به رأس حکومت، از نظارت بر بدنه مسئولان و مدیران غفلت صورت گرفت. در حالی که طراحی یک نظام حکمرانی، مبتنی بر ایجاد یک سیستم است که افراد در جایگاه‌های نقشی آن قرار می‌گیرند و نظارت بر این افراد به مثابه نظارت بر جایگاه‌های نقشی در یک سیستم است. خروجی یک سیستم تماماً متکی بر یک فرد خاص نیست؛ بلکه «بد کار کردی بخشی» در این سیستم، بر خروجی کل سیستم اثر منفی خواهد داشت. به عبارت دیگر هویت نهادی ماحصل تعامل بین سیستم و جامعه است.

#### ۲-۴. تصریح در اهداف حاکمیت

اهداف حکومت از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام شامل آزادی، رفاه، عدالت و تربیت است. بر همین اساس مهم ترین اهداف حاکمیت در این بینش فکری، تحقق بخشیدن به زندگی خوب برای افراد جامعه است [۷]. در حال حاضر شکل اجتماع امروزین ما، شکل دولت - ملت<sup>۱</sup> است که در مقایسه با مفهوم امت مطرح شده است. از آنجا که شکل گیری مفهوم امت برای جامعه عصر حاضر، مانند میوه‌ای نرسیده بر شاخه درخت است، خط مشی گذاری مبتنی بر این مفهوم به مثابه شکستن شاخه درخت برای کندن یک میوه نرسیده از آن درخت است. لذا برخی مفاهیم مانند مضاربه، مضارعه و بحث مُتعه به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های آن، تحقق آن را دچار ابهام و سخن راندن از آن، جامعه [شیعی] را در موضع اتهام قرار می‌دهد. همچنان که در بحث ناسخ و منسوخ نیز، با وجود آیه ناسخ، اگر شرایط اجرای آیه ناسخ وجود نداشته باشد؛ از همان حکم منسوخ می‌توان استفاده کرد.

هدف حاکمیت تحقق بخشیدن به زندگی خوب برای انسان‌هاست و نمی‌توان زندگی خوب را برای افراد جامعه ترسیم و تحقق بخشید؛ بدون آنکه خود فرد در این فرایند درگیر شود. اصل سوم قانون اساسی به این موضوع پرداخته است.

نظر امام و امت در رویکرد دیگری سخن از وجود روح امت در چارچوب تئوریک جامعه اسلامی است. اما بعضاً در مباحث دانشگاهی بر اساس مفروضات رایج، در پارادایم مدیریت دولتی

آمده است که به جز خداوند، همه افراد حقوق‌شان حقوق متقابل است «إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ»<sup>۱</sup> [۴]. بر این اساس می‌توان از حق مردم بر حاکمیت در کنار حقوق حاکمیت بر مردم سخن گفت.

#### پیش فرض دوم: اصالت در دولت اسلامی با مردم نه حکومت

بر اساس مبانی اسلامی و تفکرات در باب دولت اسلامی شیعی، اصالت در دولت اسلامی با مردم است نه حکمران. حکومت امری مردمی است و افرادی از بین مردم متولی حکومت می‌شوند؛ لذا اصالت در دولت با مردم است. خارج ساختن مردم از صحنه خط‌مشی‌گذاری و تصمیمات، یک خطای بزرگ در یک حکومت مردم‌سالار دینی است. افراد جامعه نه تنها در مشارکت سیاسی در برهه‌های خاصی همچون انتخابات، بلکه در فرایند تصمیم‌گیری در عرصه‌های مداخله حاکمیت و طراحی نوع مداخله نیز باید مشارکت داشته باشند. نباید از نظر دور داشت که در حدود نیم قرن گذشته، یک خلأ جدی در فرایند خط‌مشی، جلب مشارکت گسترده در عرصه‌های مختلف و فرایند خط‌مشی‌گذاری به وجود آمده است.

در اندیشه نهاد گرایان، هویت نهادی بر اساس دیالکتیک میان حاکمیت و جامعه شکل می‌گیرد. کسب هویت نهادی، یک فرایند یک‌جانبه و مکانیکی نیست؛ بلکه یک فرایند دیالکتیک است. البته در اینجا دور رویکرد می‌تواند توسط خط‌مشی‌گذار شکل گیرد: **۱** توجه به همه ذی‌نفعان، **۲** توجه به ذی‌نفعان کلیدی [۶].

#### پیش فرض سوم: نظارت بر مسند قدرت

«هر کس در مسند حاکمیت قرار می‌گیرد مستعد خطا، فساد و لغزش است؛ لذا جایگاه حاکمیت، جایگاه نظارت پذیر است و نظارت از اوجب واجبات است» بر اساس مفهوم هویت نهادی، یک سیستم نباید به اعتبار یک شخص معتبر شود؛ چرا که جایگاه‌های قدرت با ذات فساد آفرین هستند و عدم به کارگیری ابزارهای کنترلی و نظارتی بر آن، به پرورش و باز تولید افراد فاسد در جایگاه‌های مسئولیتی منجر می‌شود؛ لذا توجه به این اصل بدیهی مدیریت دولتی که «اعتماد خوب است، اما کنترل بهتر» می‌تواند راهگشا باشد. اما در جامعه ایران که در طول تطور تاریخی خود، بعد از انقلاب شاهد تفوق نهاد مذهبی بر دیگر نهادها بوده است؛ برخی مدیران برای کسب مشروعیت بیشتر به سازگاری و همانندی هر چه بیشتر با اساطیر مذهبی پرداختند. آسیب این

۱. «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ» ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی»



فضای مجازی و غیره را می‌توان در کنار آن جای داد. در این حالت مردم در درون نظام حکمرانی هستند و جزئی از آن محسوب می‌شوند؛ لذا هدف طراحی مدلی از حاکمیت است که در آن مردم جزئی از نظام حکمرانی و مؤثر در تصمیم‌گیری و فرایند اجرای خط‌مشی هستند. امری که در حال حاضر از آن دور هستیم.

بحث می‌شود و به سراغ الگوهای بوروکراتیک دولت و ملت رفته و سخن از مدیریت ارزش‌های مردمی و در بهترین حالت، ایده حکمرانی خوب می‌شود. در حالی که در چارچوب حکمرانی اسلامی، ارکان مختلفی را می‌توان مفروض گرفت که یکی از آنها، نهاد دولت است و ارکان دیگر آن مردم، نهادهای ثروت، رسانه و

## ۵. بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها



حکمرانی مشارکتی و غنی‌سازی میدان پژوهش ارزشیابی، تصریح کند.

بایسته‌های عملیاتی سعی دارد پیش‌شرط‌های امکان‌پذیر شدن ارزشیابی مردم‌محور را به‌مثابه گام‌های عملیاتی در تحقق

جدول ۴. شبکه مضامین بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم‌محور

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	کلان مضمون
انتشار اطلاعات از سمت حاکمیت	جریان یافتن اطلاعات	بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها
اطلاع نظام‌مند و مستمر از قضاوت‌های مردم	نگاشت ذینفعان مداخله	
بدنه حاکمیت به عنوان بخشی از مردم		
نهادهای مدنی، سمن‌ها و نخبگان		
عامه مردم	فرهنگ‌سازی در ارزشیابی مردم‌محور	
ترویج فرهنگ کاریست اطلاعات		
فرهنگ گفتگوی عمومی		
فرهنگ پاسخ‌گویی	شاخص‌ها و ابزارهای کنترل	
طراحی شاخص‌های ترکیبی؛ راهبردی در ارزشیابی مردم‌محور		
راه‌اندازی زنگ هشدار		
بکارگیری دماسنج اجتماعی		

اطلاعات از سمت حاکمیت به سوی مردم و در رکن دیگر، انعکاس نظرها و قضاوت‌های مردم در خصوص مداخلات به حاکمیت است. در ادامه دور رکن جریان اطلاعات به‌طور مشروح آمده است.

### ۱-۵. انتشار اطلاعات از سمت حاکمیت

به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام «وظیفه حاکمیت تربیت مردم است»<sup>۱</sup> [۴] و «رسالت انبیاء چیزی جز شکوفا کردن عقل مردم نیست»<sup>۲</sup> [۴]. این فریضه بر حکومت‌ها هست که عقل و دانایی را در مردم پرورش دهند. به‌عبارت دیگر اشاعه اطلاعات

### ۱-۵. جریان یافتن اطلاعات

ارزشیابی به‌عنوان فرایندی که در آن قضاوت‌های ذهنی ذینفعان در مورد یک خط‌مشی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نیازمند تحقق پیش‌شرط آگاهی اجتماعی نسبت به موضوع است. بر همین اساس تحقق ارزشیابی مردم‌محور را می‌توان منوط به آگاهی عمومی و دسترسی جامعه به اطلاعات مربوط به عملکرد حاکمیت دانست. در این راستا جریان یافتن اطلاعات به‌عنوان یکی از بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم‌محور از دور رکن انتشار

۱. «... فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْعِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا.»  
 ۲. «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ... وَ يَشِيرُوا لَهُمْ ذَفَائِنَ الْعُقُولِ...»

حیطه افکارسنجی نمایان تر می شود. گسترش افکارسنجی ها در دو وجه پراهمیت تر است:

ایجاد افکارسنجی ها در دو بُعد کمی و کیفی: افکارسنجی ها در دو بُعد جهت دستیابی به ارزشیابی ذی نفعان می توانند راه گشا باشند. افکارسنجی های معمول با انجام پیمایش ها و نظرسنجی ها و دیگری افکارسنجی های کیفی که بر دستیابی به عمق چرایی رفتار مردم اقدام می کنند. با وجود آنکه کشور در رویکرد دوم ضعف بسیاری دارد؛ اما اخیراً اقدام های امیدوار کننده از سوی برخی افراد در حال انجام است. راه اندازی افکارسنجی های کیفی در سطح تصمیم گیری های خرد می تواند تأثیرات بسیاری داشته باشد. افکارسنجی کیفی یکی از منابع مهم در تحقق ارزشیابی مردم محور خطمشی، به عنوان یکی از رویکردهای نوین در جهان امروز می تواند ایفای نقش کند.

گسترش و ارتقای زیرساختی افکارسنجی ها: به منظور بهره وری هر چه بیشتر از افکارسنجی ها، با هدف دستیابی به ارزشیابی حداکثری ذی نفعان مداخلات، ضرورت دارد روی ارتقای عناصر علمی، سرعت و هزینه کار، تأملات اساسی داشته باشد. اینکه چه راهکارهای بهینه و کارایی برای کاهش هزینه های چنین تحقیقاتی می تواند اتخاذ شود؟ کاربست مناسب روش ها و فرایندهای اجرای آن چگونه باشد؟ پاسخگویی به این سؤال ها به هم اندیشی و تبادل تجربیات از سوی متخصصان این حوزه نیاز دارد.

## ۲-۵. نگاهت ذینفعان مداخله

ارزشیابی دارای اهداف دو گانه پاسخگویی و یادگیری است. در بخش پاسخگویی مردم هستند که مشتاق اند در مورد نحوه مخارج مالیات ها و پول های دولتی آگاه شوند. از سوی دیگر مسئولان و تصمیم گیران دولتی و دانشگاهیان نیز می خواهند در مورد نتایج خطمشی خاص و آثار آن بر جامعه هدف، اطلاعات کاربردی و ارزشمندی را بشنوند؛ لذا شناسایی ذی نفعان یک مداخله و شناخت نظرهای آنان یکی از اولین گام های عملیاتی در ارزشیابی خطمشی و دستیابی به اهداف آن است.

### ۱-۲-۵. بدنه حاکمیت به عنوان بخشی از مردم

شناخت ذی نفعان نزدیک، شامل دستگاه ها و سازمان های دخیل در امور خطمشی گذاری حاکمیت به عنوان درجاتی از درک افکار عمومی و نوعی از درگیر کردن مردم در امر حکمرانی است. برای دخیل کردن ذی نفعان در فرایند اجرای مداخله به مثابه مشارکت در مداخله، در وهله نخست باید به شناخت همه ذی نفعان از جمله دستگاه ها و ارگان های ذی نفع به عنوان همراهان مهم و اصطلاحاً

درست و شفاف به آگاهی و قدرت تشخیص و تمیز در آحاد جامعه وسعت می بخشد.

یکی از چالش های زیرساختی ارزشیابی مردم محور، انتشار اطلاعات صحیح از سوی حاکمیت است. پژوهش های ارزشیابی در کشف قضاوت های ذهنی ذی نفعان، بر دو پیش شرط تأکید ویژه دارد: ابتدا آگاهی و اطلاع مخاطب ذی نفع از موضوع و دوم داشتن اطلاعات معتبر و صحیح نسبت به موضوع مورد مطالعه (خطمشی مورد ارزیابی). هر دو پیش شرط، به امکان دسترسی به منابع اطلاعاتی معتبر و انتشار داده های عینی درست از آن خطمشی اشاره دارد.

یک مشکل اساسی در این فرایند، عدم نظارت قانونی بر منابع دولتی و مراجع ذی صلاح دولتی است که بعضاً با ارائه اطلاعات مغشوش و نادرست، اذهان عمومی را دچار خطا می کند. در حالی که مردم (ذی نفعان) مبتنی بر این نقل قول های نادرست به عنوان شواهد و مستندات عینی، دچار دریافت های ذهنی نادرست و متعاقباً، تحلیل و قضاوت های اشتباه نسبت به موضوع می شوند. این نوع انتشار اطلاعات که به تکرار در رسانه ها و شبکه های اجتماعی از سوی مراجع ذی صلاح و نه مراجع غیر ذی صلاح و یا خارجی، اتفاق افتاده است؛ نیازمند تدبیر قانونی و ضمانت های اجرایی قابل توجه است.

## ۲-۱-۵. اطلاع نظام مند و مستمر از قضاوت های مردم

در دهه های گذشته ضرورت و اجرای افکارسنجی ها، به عنوان وجهی از مشارکت و تأثیرگذاری مردم در خطمشی گذاری، صرفاً در دوره های انتخاباتی به اوج خود می رسید. اما در دهه اخیر شاهد رشد چشمگیری در کثرت موضوع های افکارسنجی بوده ایم. امروزه توجه به همراهی مردم در راه اندازی یک طرح اجتماعی یا اقتصادی در خطمشی گذاری امری انکارناپذیر است.

این امر به ویژه در مورد مداخلات «اولویت دار» ضرورت ارزشیابی نظام مند را دوچندان می کند. مداخلات اولویت دار، آن دسته از مداخلات اجتماعی هستند که بدون تجربه قبلی و برای اولین بار به اجرا گذاشته شده است. همچنین مداخلاتی که اطلاعات ارزشیابی در مورد آن، می تواند شواهد راهبردی بسیار مفیدی برای طراحی خطمشی در آینده به خطمشی گذار ارائه دهد. همچنین مداخلات با هزینه بالا و عدم اطمینان یا دارای ریسک که می تواند پیامدهای منفی ناخواسته را نیز به همراه داشته باشد؛ و خوب پژوهش های ارزشیابی را برای خطمشی گذار چندبرابر می کند [۲].

بر این اساس ضرورت وجود مؤسسه ها و پژوهشگاه های مرتبط با



حاکمیت را اصلاح کنند. براساس این نگرش، وجود درجه‌ای از توسعه یافتگی در جامعه مدنی، اکثریت جامعه را به ناظران فعال بر سیاست‌ها و مداخلات حکمرانی بدل می‌کند که میدان غنی پژوهش را نیز برای محقق ارزشیاب فراهم می‌کند.

یکی از پارادوکس‌های قدرت نهادی شده، رابطه معکوس نهادمندی قدرت در قالب صاحب‌منصبان که حس تعلق به مسند قدرت خود دارند با پویایی قدرت که به مثابه چرخش نخبگان است. در این ماجرا از یک سو به ثبات نمایندگی نخبگان به عنوان زبان رسا و عقل بلوغ یافته جامعه توجه دارد؛ از سوی دیگر ایجاد چرخش قدرت در بین نخبگان و افراد صاحب‌اندیشه و شایسته را به شکل پویا در خود دارد. طبق نظریه پارتو، پیامد توقف گردش نخبگی، ناکارآمدی و فساد است. آسیب‌آموزین جامعه مادر عرصه نخبگان هم نوعی خودسانسوری نخبگان است که نتیجه آن بیان نکردن مسائل و بر دوش ماندن تکلیف نخبگان در مواجهه با مشکلات کشور و جامعه است. ویژگی خطرناک نهادی شدن قدرت، تمایل به رسوب قدرت در سیستم بسته را دامن می‌زند، لذا پویایی قدرت در چرخش نخبگان به عنوان جایگزینی قوی به این فرایند معیوب خاتمه می‌دهد و به‌طور مستمر می‌تواند خود را اصلاح کند [۶].

### ۲-۲-۵. عامه مردم

یکی از گروه‌هایی که در بحث ذی‌نفعان ارزشیابی مردم محور مطرح است، مردم یا به عبارتی صدای عامه است. در بحث حقوق مردم و حاکمان، از عمده حقوقی که مردم به گردن حاکمان دارند، حق شنیده شدن است. بدین معنا که مردم حق دارند نظر خود را در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح و پاسخ در خوری را طلب کنند [۹]. طبق نظر کرفت و فورلانگ<sup>۱</sup> نظرهای عامه مردم یکی از نیروهای تأثیرگذار بر فرایند خط‌مشی عمومی است [۱۰].

عامه مردم در سه عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد، نقش حساس و تعیین‌کننده دارند. عامه مردم شامل دو گروه توده مردم و گروه‌های اجتماعی می‌شود که گروه اول یعنی توده مردم یا جماعت، گروه‌های بی‌سازمانی را شامل می‌شود که در نتیجه مجاورت مکانی بین عده‌ای با محرک واحدی شکل گرفته است. مفهوم گروه اجتماعی در مقابل توده مردم، به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که روابط قوی و نسبتاً پایداری با هم داشته، با هدف مشترک، به کنش‌مندی در اجتماع می‌پردازند. به دلیل ارزش‌ها و اعتقادهای مشترک، در قالب نقش‌ها و پایگاه‌های پیوسته،

ذی‌نفعان کلیدی در اجرای موفق مداخله پرداخته شود. اگر حاکمیت به سازمان‌های داخل بدنه خود و ذی‌نفعان دیگر از جمله دستگاه‌ها و سازمان‌های دخیل در امر توجه نکنند، ادعا در مورد درگیر کردن مردم جامعه، ادعایی دور از واقعیت خواهد بود.

در صحبت از ارزشیابی مردم محور، بخش زیادی از بدنه حاکمیت که شامل هزاران کارمند دولتی در جایگاه‌های مختلف می‌شود را می‌توان به عنوان بخشی از مردم در نظر گرفت؛ و از سوی دیگر هم‌نشینی و قرابت این بخش از جامعه در بین عموم جامعه، خود منشأ بسیاری از قضاوت‌ها و ارزشیابی‌ها در خصوص مداخلات دولت را تولید و باز تولید می‌کند. در واقع بر ساختی که از نظرهای کارمندان حاکمیت در جامعه ساخته می‌شود؛ دارای ضریب نفوذ قابل ملاحظه‌ای است. حاصل آن اشاعه قضاوت در بین مردم است. بسیاری از ارزشیابی‌های جامعه در خصوص مداخلات حاکمیت را خود بدنه حاکمیت می‌سازند؛ چرا که این قشر به عنوان بخشی از مردم با عامه مردم در تماس هستند و قضاوت‌های خود را به محیط پیرامونی خود منتقل می‌کنند. برای مثال دانش‌آموز در مورد واحد جدید درسی از معلم سؤال می‌کند و معلم واحد درسی جدید را بی‌اهمیت توصیف می‌کند. این نگرش منفی به صورت سلسله‌وار به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان تسری می‌یابد؛ بنابراین اگر بدنه حاکمیت در مورد سیاست‌ها و مداخلات، توجه نشوند، چه بسا نگرش منفی به صورت تسلسل در جامعه تکثیر می‌شود.

### ۲-۲-۵. نهادهای مدنی، سمن‌ها و نخبگان

بحث از تنوع نمایندگان، اشاره به حضور نهادی سمن‌ها، نهادهای مدنی و نخبگانی به مثابه لایه‌های مختلف قدرت یافته میانی و واسطه در جامعه دارد. اغلو و رابینسون در کتاب ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دمکراسی بر این ادعا هستند که وجود جامعه مدنی آگاهی یافته و فعال، تأثیر بسزایی در دمکراسی‌سازی جامعه دارد [۸]. در صورت‌های مدرن نمایندگی اجتماعات، به نظر می‌رسد سمن‌ها ابزاری کارا محسوب می‌شوند. البته شکل‌گیری سمن‌ها باید به نحوی باشد که همه علائق جامعه را پوشش دهد.

حاکمیت اساساً باید نخبگان خود را مورد خطاب قرار دهد. مردم به نخبگان و فرهیختگان خود نمایندگی می‌دهند تا در جایگاه یک ناظر آگاه زبان‌گوی آنان باشند. مردم ذیل جامعه مدنی محسوب می‌شوند و جامعه مدنی، طبقه آزاد و دغدغه‌مند جامعه و در عین حال مطالبه‌گر و نظارت‌کننده به افعال و عملکرد حاکمیت هستند. مطالبه‌گرانی که باید قصور و کج‌روی‌های احتمالی

و آزادی بیان به وجود آمد، به تعبیر هابرماس «عرصه عمومی» و فضای گفتگو ایجاد می شود.

از نشانه های برجسته در فقدان چنین فضای عمومی، این است که برخی اوقات دشمن را بیش از رقبای فکری و سیاسی داخل حوزه حکمرانی تحمل می کنیم. این مسئله در سال های اخیر که جامعه سیاسی ایران هم تا حدی به آن مبتلا شده است؛ بسیار خطرناک است. مهم ترین عارضه آن تسلط وضعیت تمرکزگرایانه در حاکمیت است. باید توجه داشت که کنار گذاشتن ابزارهای فوق الذکر به نوعی بی اثر کردن این ابزارهاست و پیامد بلندمدت آن به صورت انواع بی تفاوتی سازمانی و مدنی در سطح ملی و فراگیر در جامعه نمود خواهد داشت.

### ۳-۳-۵. فرهنگ پاسخ گویی

یکی از اهداف اصلی ارزشیابی، پاسخگویی مدیران به نهاد حاکمیت و نیز حاکمیت به مردم است. دولت به عنوان یک تنظیم گر<sup>۲</sup> موظف است ارزش عمومی و نتایج حاصل از پول مالیات دهندگان و فعالیت های دولتی را به حداکثر برساند [۲]. در وجه دیگری حکمرانی پاسخگو، در مورد نحوه تنظیم گری خویش و میزان کارایی و تناسب در عملکرد خویش در پیشگاه جامعه، شفافیت لازم را ایجاد می کند. در همین راستا، به دلیل ارزشیابی مردم محور، انگیزه و زمینه پاسخگویی حاکمیت بیش از پیش احساس می شود. بنابراین کاربست پژوهش های ارزشیابی برای نظام حاکمیتی که پاسخگویی به قوه مقننه و مردم را از مهم ترین وظایف خود بداند، اهمیت ویژه ای می یابد.

### ۴-۵. شاخص ها و ابزارهای کنترل

#### ۱-۴-۵. طراحی شاخص های ترکیبی؛ راهبردی در ارزشیابی مردم محور

از جمله مهم ترین موضوع هایی که در ارزشیابی مردم محور مورد غفلت قرار گرفته است، اولاً تعریف انگاره های غلط ارزشیابی در ذهن مردم و حاکمیت است. دوم تعریف شاخص های ترکیبی<sup>۳</sup> بومی به موازات آنچه در دنیا اتفاق می افتد. در متن قانون اساسی بارها به مردم محور بودن اشاره شده است. برای مثال حکمرانی در استقلال همه جانبه مردم محور، اقتصاد

می توانند مجزا از یکدیگر هم فعالیت کنند. این هر دو طیف در کنار هم مفهوم ملت را به وجود می آورند که متشکل از آحاد جامعه است و دولت برآمده از ملت، ملزم به احقاق حقوق مردم در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. صدای عامه به دلیل بر خورداری از چهار ویژگی "تعاملی بودن" تفکرات که بازتابی از نظرهای مختلف در جامعه است، "جامعیت" افراد سهیم در آن، "عمومیت" داشتن برای همه شهروندان و "تکاملی بودن" هویت سیاسی آنکه آن را پدیده ای موقتی و در جهت اصلاح و حتی روندی متناقض گونه نسبت به قبل خود می سازد؛ ظرفیتی کامل و جامع از نظرها و قضاوت ها را ایجاد می کند که می تواند منبعی برای ارزشیابی حکمرانی تلقی شود.

بنابراین حرکت به سمت بلوغ عامه و تقویت سرمایه اجتماعی که از آگاهی دادن به مردم و اعتماد مردم به حاکمان نشئت می گیرد، بر کیفیت ارزشیابی مبتنی بر رأی مردم تأثیر بسزایی دارد [۹].

### ۳-۵. فرهنگ سازی در ارزشیابی مردم محور

#### ۱-۳-۵. ترویج فرهنگ کاربست اطلاعات

اهمیت استفاده از اطلاعات و کلان داده ها در خط مشی گذاری امری بدیهی و از اصول پایه در خط مشی گذاری محسوب می شود. اگر میزان انتشار اطلاعات در کشور را با میزان کاربست اطلاعات در کشور مقایسه کنیم؛ یکی از مسائلی که نمایان می شود؛ مسئله بلوغ و سواد استفاده از اطلاعات است. مرور تحقیقات انجام شده در مراجع دانشگاهی و کارشناسی نشان می دهد که عمدتاً در ار جاعات، به منابع محدودی مانند مرکز آمار اکتفا می شود. این در حالی است که نسبت اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان های مختلف بسیار بیش از این بوده است؛ لذا یکی از برنامه هایی که باید روی آن تأمل شود و کارهای زیادی برای ارتقای این سطح باید انجام شود، بلوغ استفاده از اطلاعات است.

#### ۲-۳-۵. فرهنگ گفتگو عمومی

ایجاد بسترهای گفتگو در جامعه با قانون گرایی و بی طرفی دولت ها به عنوان فضای عمومی ارائه اندیشه ها و انتقادهایی به حاکمیت، از نشانه های حکمرانی خوب<sup>۱</sup> ذکر شده است. لازم است مردم به فکر کردن تشویق شوند و آزادانه افکارشان را بیان کنند. وقتی تفکر

۱. حکمرانی خوب براساس تعریف انستیتو حکمرانی اوتاوا، ترکیبی از سنت ها، قواعد و آداب و رسوم شامل نهادها و فرایندهایی می شود که تعیین می کند چگونه قدرت باید اعمال شود؛ چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در مباحث عمومی اتخاذ شود. در اینجا منظور از حکمرانی خوب را مجموعه ای از فرایندهایی در نظر می گیریم که از طریق آن، دولت در تعامل با جامعه مدنی و بخش خصوصی و با رعایت اصولی چون شفافیت، پاسخگویی، قانون گرایی، برابری و جلب مشارکت، همه منابع کشور را در خدمت نفع همگانی و ارتقای سطح زندگی و رفاه همه مردم قرار می دهد.

2.Regulator

3.Compositor indicators



شایان توجه است به دلیل آنکه ادراک افراد از اجرای یک مداخله اجتماعی ممکن است دچار خطا شود؛ بالطبع در قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های آنان نیز بازتاب پیدا می‌کند. این امر می‌تواند در ارائه بینش و درک صحیح به خط‌مشی‌گذار نسبت به اثر مداخله اجتماعی، خطا ایجاد کند. اما در مجموع این ابزار سیاستی با پذیرش میزان خطایی که دارد؛ می‌تواند ابزار راه‌گشایی برای هشدار به موقع نسبت به مسائل اجتماعی و مدیریت درست آن به خط‌مشی‌گذار باشد. به نظر می‌رسد جامعه ایران و مسئولان خط‌مشی‌گذاری، به دلیل خلأ چنین ابزارهای انتقال سریع ارزشیابی اجتماعی، گاهی دچار آسیب‌هایی شده است. امروزه ضرورت طراحی چنین ابزارهای کنترلی، برای دستگاه‌های مختلف کشور به خوبی احساس می‌شود.

### ۳-۴-۵. بکارگیری دماسنج اجتماعی<sup>۲</sup>

مدیران در ساحت حاکمیت با در دست داشتن اطلاعات مربوط به دماسنج اجتماعی، در طراحی یا بازطراحی و نحوه اجرای مداخلات، امکان کنشگری تنظیم شده در چند بُعد مختلف را پیدا می‌کنند:

- تعدیل یا تغییر تصمیمات سیاسی و اقتصادی خط‌مشی‌گذار،
- تنظیم مجدد سرعت و شدت انجام مداخلات،
- کاربست روش‌های نوین در رسیدن به اهداف مداخلات،
- هشدار برای طراحی سناریوهای توجیه‌کننده مداخلات برای ذی‌نفعان مداخله در سطوح مختلف جامعه.

اطلاع داشتن در چنین مقیاسی در جامعه، به خط‌مشی‌گذاری کمک می‌کند تا اگر در جهت اقدام به یک مداخله تلاش می‌کند؛ میزان همراهی مردم با آن خط‌مشی را پیش برآورد کند و در اجرا و سطح تعامل ذی‌نفعان خط‌مشی با آن مداخلات، بینشی درست یافته و تصمیمات دقیق‌تری اتخاذ شود. در این خصوص رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در دی‌ماه ۱۳۵۷ بیاناتی ایراد فرمودند: «برنامه ما این است که رجوع کنیم به آرای عمومی، به آرای مردم.» افکارسنجی‌ها نیز برای دستیابی به دماسنج اجتماعی می‌توانند راه‌گشا باشند.

مردم‌محور، خودکفایی همه‌جانبه مردم‌محور، امنیت مردم‌محور و غیره. ویژگی مردم‌محور بودن در قانون اساسی ایران، ابعاد عمیقی دارد که نیازمند کاوش‌های متنی محققانه است تا لایه‌های مختلف آن درک شود. در گام بعدی می‌توان به طراحی شاخص‌های ترکیبی بومی و مطابق با فرهنگ و آداب‌ورسوم کشور خود همت گماشت. خلأ رویکرد مردم‌محور مدنظر قانون اساسی، در اسناد بالادستی نیز به‌وفور به چشم می‌خورد. به عبارتی این رویکرد در عرصه خط‌مشی‌گذاری بسیار مهجور باقی مانده است.

از سوی دیگر طراحی شاخص‌های ترکیبی به‌عنوان یکی از ابزارهای قوی در سنجش و ارزیابی شاخص مردم‌محور بودن خط‌مشی است. هدف آن ارزیابی حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری کشور بر شمرده می‌شود که نیازمند ایستادن بر چکاد اندیشه ایرانی و مبانی فرهنگ اسلامی است. طراحی شاخص‌های ترکیبی از این مبنای نظری، همراه با فهم اندیشه اسلامی، می‌تواند در تمامی سلسله‌مراتب حکمرانی مانند الگوهای تصمیم‌گیری مدیریتی، تعریف نقش‌ها، مطالبات و شکل خط‌مشی‌گذاری و دیگر زمینه‌ها، تفاوت چشمگیری را نسبت به دیگر کشورها ایجاد کند؛ بنابراین می‌توان به الگوهای اختصاصی شده فرهنگی و بومی اسلامی - ایرانی با مبنای متفاوت سنجش در شاخص‌های ترکیبی به‌عنوان یک فرامدل نظری توجه داشت.

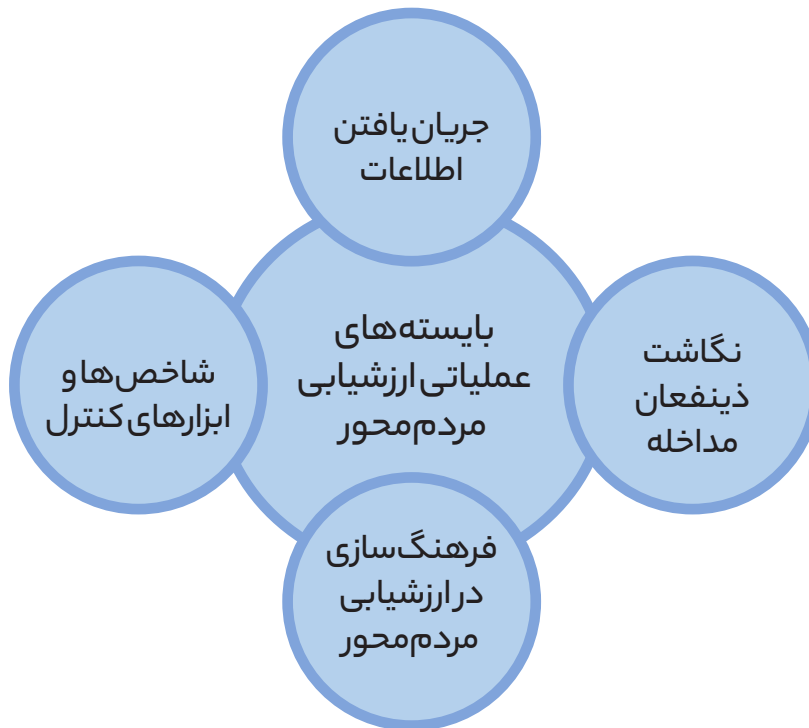
### ۲-۴-۵. راه‌اندازی زنگ هشدار<sup>۱</sup>

یکی از ابزارهای کنترلی که در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی با هدف کنترل بوروکراسی و روش‌های انتقال سریع اتفاقات اجتماعی اجرا شده، راه‌اندازی زنگ‌های هشدار است. این ابزار سیاستی به‌عنوان الگوی مشترک چند کشور مورد مطالعه و تجربه قرار گرفته است که تجربه موفق این کشورها و رضایتمندی نسبی خط‌مشی‌گذاران را با خود داشته است [۱۱]. برای مثال اگر مردم یک منطقه در مورد نحوه تخصیص یک امکان رفاهی و یا سطح تخصیص منابع برای احداث امکانات رفاهی در منطقه زندگی خود ابراز نارضایتی کنند و یا آن‌را ناکافی بدانند؛ می‌توانند از طریق درگاه‌های الکترونیک تأیید و یا اعتراض خود را ثبت کنند.

1. fire alarm

۲. موریس هالبوواکس (۱۸۷۷-۱۹۴۵) فیلسوف اجتماعی فرانسوی، واژه social temperature را در ۱۳۹۰ در توضیح وضعیت گروهی از افراد در حال خودکشی استفاده نمود.

نمودار ۳. بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست‌ها



۶. چالش‌های ارزشیابی مردم محور

آن نمی‌توان در نظر گرفت. در چالش دیگری اگر مفروض بداریم که کیفیت ارزشیابی عامه مردم مبتنی بر میزان مشارکت آنان در امور حاکمیتی ارتقا می‌یابد؛ سطح ورود مردم و مشارکت آنان در تصمیمات و مداخلات در چه نقطه‌ای از تصمیم یا اجرا منطقی می‌نماید؛ لذا دو موضوع میزان آگاهی و اعتبار ارزشیابان یا به تعبیری عامه مردم و نحوه و زمان ورود آنان به ارزشیابی مداخلات، دو طیف از چالش‌های مورد بحث در این نشست بوده است.

بحث چالش‌ها و مسائل اجرایی در ارزشیابی مردم محور در دو بُعد اصلی مورد توجه بوده است. اولین محور اصلی میزان اعتبار ارزشیابی از عامه مردم است که بنا بر آن می‌توان ضریب‌های متفاوتی را برای نظرهای عامه مردم در مقابل خواص و نخبگان قائل بود. تصمیم‌گیری برای این چالش براساس حالت‌های مختلفی از جمله میزان اطلاعات و آگاهی مفروض در جامعه در خصوص مداخلات یا تمایل عموم مردم برای ارزشیابی مداخلات حاکمیت به‌عنوان یک امر سیاسی می‌تواند متغیر باشد و نتیجه متقنی برای

جدول ۵. شبکه مضامین چالش‌های ارزشیابی مردم محور

مضامین سازمان دهنده	کلان مضمون
نزدیک‌بینی سیاستی مردم	چالش‌های ارزشیابی مردم محور قوانین و سیاست‌ها
تمایلات متفاوت مردم در انجام ارزشیابی	
تعدد موضوعات دولت	
رویکرد خطی به ارزشیابی مردم محور	



## ۶-۱. نزدیک بینی سیاستی مردم

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، بحث از اعتبار و جایگاه نظر مردم است. برخی اوقات این سؤال مطرح می‌شود که آیا مردم مجازند در مورد هر موضوعی ارزشیابی کنند؟ آیا مردم می‌توانند در مورد هر موضوعی ارزیابی کنند؟ از دیدگاه برخی نخبگان علمی و حاکمیتی، جامعه در برخی از موضوع‌ها، در افق زمانی دچار چالش می‌شود. بدین معنا که برخی اوقات انگاره‌های مردم انگاره‌ها بلندمدتی نیست؛ منافع کوتاه‌مدت و فردی را بر منافع بلندمدت و ترجیحات جمعی و خیر عمومی برمی‌گزینند؛ اما آیا حاکمیت می‌تواند این موضوع را بپذیرد؟ بنابراین یکی از مصادیقی که دولت وظیفه دارد جامعه را تربیت کند در بلوغ جامعه در افق زمانی است. البته براساس فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام مردم مکلفند<sup>۱</sup> که حاکم را نصیحت کنند [۴]. در جایی دیگر ملاک تشخیص نیکوکار را در زبان عامه جستجو می‌کند<sup>۲</sup> [۴]. این جملات نشان‌دهنده اهمیت عامه مردم از منظر امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. عامه مردم شاخص تشخیص خیر و ستون دین<sup>۳</sup> هستند [۴]. از زاویه‌ای دیگر، نظریه بازی<sup>۴</sup> در تحلیل کنش‌مندی مردم در جامعه، آنان را «تصمیم‌گیرندگان عقلانی» می‌داند که درگیر انتخاب‌هایی به‌هم وابسته هستند [۵]. همکاری فرد با مداخلات اجتماعی، رفاهی و اقتصادی حاکمیت، براساس نقشه ذهنی افراد و میزان اعتمادی که به حاکمیت دارد؛ رابطه مستقیمی پیدا می‌کند. انتقال از همکاری به دام اجتماعی (عدم همکاری) به سرعت اتفاق می‌افتد. شکل‌گیری احساس اعتماد یا بی‌اعتمادی و متعاقب آن تصمیم به همکاری یا عدم همکاری مانند انتشار ویروسی در سطح جامعه به‌شکل پاندمیک یا گلوله برفی عمل می‌کند [۱۲]. افراد برحسب پیش‌فرض‌ها، نوع و سطح دریافت اطلاعات مربوط به آن مداخله اجتماعی، تصمیم استراتژیک مبنی بر همکاری یا عدم همکاری می‌گیرند. هالبوواکس در کتاب حافظه جمعی یکی از بسترهای اصلی آن را شکل‌گیری حافظه جمعی در جامعه عنوان می‌کند. حافظه جمعی حاصل قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های کوتاه‌مدت افراد و مبتنی بر وقایع نه‌چندان تاریخ‌مند اجتماعی است و در کوتاه‌مدت به یک حافظه جمعی بدل شده و نهایتاً الگوی رفتار جمعی را در جامعه شکل می‌دهد [۱۳].

## ۶-۲. تمایلات متفاوت مردم در انجام ارزشیابی

بدیهی است که همه مردم تمایل نداشته باشند خط‌مشی‌های دولت را ارزشیابی کنند. حتی در موضوع‌های مهمی مانند انتخابات که تأثیر مستقیم و جدی بر زندگی افراد دارد؛ برخی اوقات مشاهده می‌شود که مردم خودشان چندان در شناخت و انتخاب مذاقه نمی‌کنند؛ بلکه متأثر از گروه‌های مرجع، رأی سیاسی خود را برمی‌گزینند. هر چند قبلاً گروه‌های مرجع، نخبگان و دانشگاهیان بوده‌اند و در حال حاضر سلبریتی‌ها یکی از سکان‌دار این عرصه هستند. محور این چالش، میزان جلب توجه ذی‌نفعان مداخلات به عملکرد حاکمیت است؛ بنابراین شاید در شرایط کنونی، نتوان این ارزشیابی را تماماً برعهده مردم گذاشت. این امید وجود دارد که با گسترش فرهنگ ارزشیابی و انتشار اطلاعات، زمینه‌آگاری قانونمند این امر به مردم بیشتر فراهم می‌شود.

## ۶-۳. تعدد موضوعات دولت

از دیگر چالش‌ها در بحث ارزشیابی مردم محور، تعدد موضوع‌ها در دولت است. این نکته واضح است که حتی اگر مردم بخواهند هم به‌لحاظ محدودیت زمانی و مشغله‌های روزمره، این امکان وجود ندارد که نسبت به همه مداخلات، توجه لازم داشته باشند. در اینجا دو سوی یک سکه در هم آمیخته می‌شود از یک سو اطلاع‌رسانی دولت در خصوص مداخلات و طرح‌ها به‌شکل حداکثری و با ابزارهای اطلاع‌رسانی دسترس‌پذیر برای همه آحاد جامعه و ذی‌نفعان است. از سوی دیگر به میزان اطلاع‌یابی جامعه هدف از مداخلات انجام شده برای آنان مربوط می‌شود. در این مورد، حیظه آگاهی امکان‌پذیر و منطقی برای فرد فرد جامعه در خصوص انواع مداخلات دولت مطمح نظر است. این تصور که هر یک از ذی‌نفعان مداخلات در سطوح مختلف تحصیلاتی و شغلی، با وجود مشغله‌های بسیار بتوانند در پیگیری انواع تصمیمات حاکمیت صاحب آگاهی و رأی و نظر باشند؛ امری فراتر از انتظار است؛ لذا آگاهی افراد، در همه موضوع‌ها برابر و مشابه نخواهد بود. افراد به‌شکل محسوسی، نسبت به برخی از مداخلات به‌دلیل تأثیر مستقیم بر زندگی آنان، توجه و درک ویژه‌ای دارند؛ اما در خصوص برخی دیگر به دلایل مختلفی، ممکن است به‌هیچ‌وجه مطلع نشوند؛ لذا انتخاب ذی‌نفعان آگاه نسبت به موضوع، یکی از

۱. «... فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصْبِيحَةُ لَكُمْ...»

۲. «وَإِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرَى اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ»

۳. «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ، وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَالْغَدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ، فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ، وَمَمْلِكْ مَعَهُمْ»

مداخله در حل مشکل بیان می کنند و می سنجند که آیا مداخله ناظر به مسئله حل شده است یا همچنان مشکل پابرجاست؟ این ارزشیابی برای حاکمیت محترم است؛ اما اگر نگاه تعاملی در ارزشیابی مردم را مورد توجه قرار دهیم، مردم می توانند در بخش های پیشین تر، مانند تنظیم دستور کار<sup>۱</sup> هم مشارکت داشته باشند. مانند اینکه ترجیحات مردم<sup>۲</sup> در اولویت مداخلات دولت چه می تواند باشد؟ آیا مردم این شکل از مداخله دولت را دوست دارند؟ چقدر نحوه مداخله اجتماعی را به صلاح خود می دانند؟ چقدر حاضرند با مداخله اجتماعی معین شده، همراهی و مشارکت داشته باشند؟ بنابراین در رویکرد تعاملی ادعا بر این است که مشارکت مردم در خط مشی گذاری صرفاً در حوزه ارزشیابی نتیجه محور خلاصه نمی شود؛ بلکه می تواند در گام های پیشین تر، در فرایند تصمیم گیری نیز حضور داشته باشند.

مهم ترین بخش های کار در فرایند ارزشیابی است.

#### ۴-۶. رویکرد خطی به ارزشیابی مردم محور

یکی دیگر از چالش ها اتخاذ رویکرد خطی در برابر رویکرد تعاملی است. جایگاه ارزشیابی در رویکرد خطی این گونه تعریف می شود که دولت بازی گردان اصلی در اداره امور جامعه است و مردم می توانند در مورد نحوه عملکرد دولت قضاوت هایی داشته باشند. سؤال اصلی در اینجا این است که مردم چه چیزی را باید ارزیابی کنند؟ نتیجه مداخله یا کیفیت آن را؟ اگر بپذیریم که مردم نتیجه مداخله را ارزشیابی می کنند؛ سؤال دیگری مطرح می شود که آیا می توانند خط مشی های دولت در حوزه کلان رافهم کنند؟ آیا از خط مشی های کلان اقتصادی اطلاع دارند؟ از فرایند خط مشی گذاری آگاه اند؟ به نظر می رسد مردم در نگاه خطی در مرحله پس از مداخله ورود می کنند و نظر خود را در مورد اثر

## ۷. نتیجه گیری



احساس می شود.

۲ در بحث از چیستی ارزشیابی مردم محور؛

الف) در این نگاره ارزشیابی به معنای «قضاوت افراد در مورد خوبی یا بدی چیزی» است که مبنای آن ارزش گذاری افراد به طور ذهنی و عمدتاً ناظر به پیامد و نتیجه مداخلات به وجود می آید.  
ب) امر ارزشیابی خط مشی، پدیده ای موجود و مستمراً در حال تولید شده است که در کنش های افراد جامعه، نموده ای تأخیری دارد و همچنین دارای ماهیت متغیر و تحول ذاتی در بین مردم و جامعه است.

ج) ارزشیابان ارزشیابی مردم محور در این گزارش با دو رویکرد مطرح شده است: رویکرد اول قائل به نمایندگی حلقه های میانی و نخبگانی هستند که شامل نخبگان فکری و حلقه های میانی اعم از سمن ها، جامعه مدنی، گروه های رسانه ای و به عنوان ذی نفعان کلیدی یا اصطلاحاً دروازه بانان مطلع در موضوع هستند. رویکرد دوم قائل به اصالت عامه مردم است. در این رویکرد خرد جمعی جامعه بر اساس مفهوم گروه های اجتماعی و عامه مردم قابل شنیده شدن و از حقوق اصلی مردم بر حاکمان است؛ لذا منبع و بستر

در این گزارش به عنوان اولین گزارش تخصصی در باب ارزشیابی مردم محور، به واکاوی مفهومی ارزشیابی مردم محور پرداخته شد. در ادامه ابعاد دیگر آن همچون مخاطبان ارزشیابی مردم محور و تفاوت آن از ارزیابی های مرسوم سازمانی نیز مورد گفتگو قرار گرفت. در محور دوم بایسته های نظری این شیوه پژوهش شامل تعیین پیش فرض ها و اهداف تبیین شد. محور دیگری که به طور مبسوط و چالش برانگیزی مورد گفتگو قرار گرفت؛ بایسته های عملیاتی این نوع تحقیق بر پایه نکاتی کلیدی برگرفته از تجربیات دیگر کشورها بوده است. در پایان نیز به چالش های پیش روی این مسیر پژوهشی، اشاراتی در چهار مورد و در قالب دو محور اصلی صورت گرفت. در ادامه نکات کلیدی بحث به طور خلاصه ذکر شده است.

۱ با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در مورد نقش خط مشی گذاری های خارج از عرصه حاکمیتی و حتی برون مرزی در امور اجتماعی و مدیریت افکار عمومی در جامعه امروز؛ اهمیت و ضرورت پرداختن به ارزشیابی مردم محور و توجه به نظر ها و چرایی نگرش مردم امری محرز است که وجوب آن بیش از پیش



اصلی ارزشیابی، افشار و آحاد جامعه معرفی می‌شوند. (د) تسهیل‌گران ارزشیابی (محقق) باید مرز دقیقی را میان ارزشیابی مردم‌محور با ارزشیابی عملکرد در نظر داشته باشند تا با ارزیابی اداری عملکرد حاکمیت در عمل یکسان پنداشته نشود.

**۱۳** در بحث از بایسته‌های نظری؛ یکی از مهم‌ترین ارکان، تعیین پیش‌فرض‌هاست. پیش‌فرض‌های مورد توافق در این نگاره، اول پیش‌فرض حقوق متقابل مردم و حاکمان است که مطابق با خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه آمده است. همه افراد [حاکم و مردم] حقوق متقابل دارند. دوم اصالت در جامعه اسلامی با مردم است نه حکومت و سوم از آنجا که مسند حاکمیت مسند قدرت است؛ مستعد خطا و فساد است؛ بنابراین جایگاه حاکمیت، جایگاه نظارت‌پذیر و نظارت‌از واجبات حکومت اسلامی است.

**۱۴** از دیگر بایسته‌های نظری، تصریح در اهداف حاکمیت است. مهم‌ترین اهداف حاکمیت در جامعه اسلامی فراهم‌سازی آزادی، رفاه، عدالت، امنیت و تربیت است. در این مبحث، دو رویکرد اصلی مطرح شده است؛ یکی نگاه دولت و ملت است که اهداف بالا را محقق می‌سازد. دیگری رویکرد امت اسلامی است که مردم و حاکمان جزئی از یک پیکره هستند. اهداف حاکمان در امت اسلامی، تحقق بخشیدن به حیات طیبه است که شامل همه اهداف فوق‌الذکر نیز می‌شود.

**۱۵** در بحث از بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم‌محور قوانین و سیاست‌ها، چهار مورد از پیش‌شرط‌های اجرای پژوهش‌های ارزشیابی بر شمرده شد:

**الف)** جریان یافتن اطلاعات در دو رکن دوسویه است. یک سوی آن انتشار اطلاعات از سمت حاکمیت است و سوی دیگر آن اطلاع نظام‌مند و مستمر از قضاوت‌های مردم است. وجوب اطلاع‌نظام‌مند و مستمر از ارزشیابی‌ها و قضاوت‌های مردم در سال‌های اخیر، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است. رشد و گسترش افکارسنجی‌ها و توجه قابل ملاحظه به نتایج افکارسنجی‌ها از سوی دیگر نشان از اهمیت اطلاع از قضاوت‌های مردم نسبت به خط‌مشی دولتمردان و حاکمیت دارد.

**ب)** نگاهت‌ذی‌نفعان مداخلات از دیگر محور اصلی در بایسته‌های عملیاتی است که در این نگاره در سه حلقه اصلی در ارزشیابی مردم‌محور برجسته شده است. حلقه اول، ارزشیابی از بدنه حاکمیت و کارمندان دستگاه‌های اجرای در سطوح مختلف که به‌عنوان بخشی از مردم به‌شمار می‌آیند. این گروه به دلیل تأثیرگذاری بر دیگر افشار جامعه و به‌تعبیری نشانگان از نهاد دولت

در جامعه، ظرفیت قابل توجهی برای ارزشیابی مداخلات دارند. همچنین می‌توان آنها را در زنجیره ذی‌نفعان کلیدی مداخلات نیز محسوب کرد. حلقه دوم نهادهای مدنی، سمن‌ها، نخبگان و حلقه‌های میانی هستند که می‌توانند به‌عنوان افشار آزاد و دغدغه‌مند و آگاه جامعه از جمله ذی‌نفعان کلیدی در ارزشیابی در نظر گرفته شوند. حلقه سوم از ذی‌نفعان، عامه مردم هستند که به شرط آگاهی‌مندی و بلوغ عامه ظرفیتی جامع برای بررسی ارزشیابی را در خود جای داده است و استفاده از این ظرفیت سبب بهبود و کارایی هر چه بیشتر سرمایه اجتماعی خواهد شد.

**ج)** از دیگر محورها در بایسته‌های عملیاتی، فرهنگ‌سازی در ارزشیابی مردم‌محور است که در سه محور اصلی بحث شده است. اولین محور ترویج فرهنگ کاربست اطلاعات است. تقویت این فرهنگ ناظر به اهمیت استفاده از اطلاعات و کلان‌داده‌ها در خط‌مشی‌گذاری و تحقیقات دانشگاهی برای اثرگذاری در طراحی خط‌مشی است. با توجه به اینکه بخش مهمی از منابع اطلاعاتی منتشر شده و در دسترس، به دلایل مختلف از دید محققان و تسهیل‌گران ارزشیابی و ارزشیابان در جامعه مغفول مانده است؛ باید به ترویج و معرفی آن همت گماشت. دومین محور ایجاد بستری مناسب برای فرهنگ انتقاد دلسوزانه، اصلاحی و نه تخریبی در جامعه است تا در سایه قانون‌گرایی و بی‌طرفی دولت‌ها، در «فضای عمومی» اندیشه‌ها و آرای مختلف همراه با انتقادها به حاکمیت ارائه شود. در محور سوم فرهنگ پاسخگویی مدیران به نهاد حاکمیت و مردم مطرح شده است.

**د)** ایجاد شاخص‌ها و ابزارهای کنترل به‌عنوان دیگر بایسته‌های عملیاتی مورد گفتگو قرار گرفت. در این بایسته، سه ابزار عملیاتی مطرح نظر قرار گرفت. یکی طراحی شاخص‌های ترکیبی در ساحت روش‌شناختی به‌عنوان یکی از راهبردهای مهم در ارتقای پژوهش‌های ارزشیابی است که می‌تواند به سنجش علمی و عینی از جامعه گام ارزشمندی به جلو بردارد. دومین ابزار، طراحی و استفاده از زنگ‌های هشدار است که به‌عنوان یک ابزار کنترلی و همچنین یک ابزار سیاستی می‌تواند کمک شایانی به خط‌مشی‌گذاران داشته باشد. همچنین استفاده از داماسنج اجتماعی که مدیران در ساحت حاکمیت به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای تصمیم‌گیری به‌موقع و طراحی خط‌مشی مناسب می‌توانند از این ابزارها بهره‌مند شوند. در این مسیر توجه به مبانی فرهنگ و اندیشه ایرانی و اسلامی برای دستیابی به مجموعه کاملی از شاخص‌های ترکیبی بسیار حائز اهمیت است و از دیگر ابزارهای

باعث شده است بسیاری از مردم یا ذی نفعان یک مداخله اجتماعی، به ارزشیابی عملکرد دولت تمایلی نداشته و در نتیجه از دایره کاوش های یک محقق ارزشیاب خارج شود.

**۳** تعدد موضوع های دولت که عدم اطلاع از تمامی خط مشی ها و عملکرد دولت و پیامدهای آن را برای هر فرد در اجتماع با وجود تمایل به آگاهی از عملکرد دولت، باز هم غیر ممکن می کند.

**۴** اتخاذ رویکرد تعاملی به موضوع ارزشیابی مردم محور که به میزان مشارکت دادن مردم در امور حاکمیت اشاره دارد. در حالت خطی، مردم صرفاً در مورد نتیجه عملکرد دولت ارزشیابی می کنند. در حالی که در رویکرد تعاملی این ارزشیابی در چند گام عقب تر امکان مشارکت مردم را فراهم می آورد. به عبارت دیگر این مشارکت می تواند در زمان تنظیم دستور کار خط مشی و تصمیم گیری برای اولویت بندی در بین چند خط مشی و تخصیص میزان بودجه بر حسب نیازمندی و ترجیحات مردم صورت گیرد.

راهبردی و راهگشا در تحقیقات ارزشیابی محسوب شده است. به این ترتیب تحقیقات ارزشیابی بر اساس طراحی فرامدل به دست آمده از شاخص های ترکیبی می تواند در یچه کامل تری را در کاوش های اجتماعی خود روی خط مشی گذار بگشاید.

از دیگر موضوع های مورد بحث در این نشست، پرداختن به چالش های این نوع از پژوهش ها به طور مختصر مورد بحث قرار گرفت که در مجموع چهار محور اصلی را مطرح می کند:

**۱** نزدیک بینی سیاستی مردم در رویکردی که در آن جامعه به دلیل نداشتن افق زمانی بلندمدت چالش هایی را برای قضاوت های درست و منطقی از سوی عموم مردم ایجاد می کند. راهکار این امر را نیز در بهترین حالت گزینش ذی نفعان آگاه و کلیدی دانستند.

**۲** تمایلات متفاوت مردم در ارزشیابی که حاکی از تنوع علایق مردم در توجه به موضوع هایی مانند تحلیل سیاست حاکمیت،



1. Braun, V., Clarke, V., & Terry, G. (2021). Thematic Analysis: A Practical Guide. SAGE Publications Ltd..
2. Diamond, Ian & Slater, Jonathan (2020); Central Government guidance on evaluation..
3. <https://hmiani.ir> [سایت حلقه‌های میانی].
۴. نهج البلاغه.
۵. دای، توماس (۲۰۱۷)، مبانی خط‌مشی عمومی؛ ترجمه رحمان غفاری، مهدی احمدی تنکابنی، علیرضا سفرپور سوخته کلانی؛ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۶. قلی‌پور، آراین (۱۳۸۴)؛ نهادها و سازمان‌ها، اکولوژی نهادی سازمان‌ها؛ نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۷. کمالی، علیرضا (۱۳۹۶)، بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۶ (۵۴)، SID 113-134؛
۸. عجم‌اغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز (۲۰۰۵)؛ ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی؛ ترجمه جعفر خیرخواهان و علی سرزعی، نشر کویر، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
۹. حجاربان، عقیقه؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی‌پور، آراین؛ حجاربان، مسعود (۱۳۹۰)؛ بررسی جایگاه مردم در سیستم مهار و موازنه قدرت؛ مطالعات مدیریت بهبود و تحول؛ شماره ۶۴، فصل تابستان؛ ص ۸.
10. Kraft .M & furlong (2004). Public Policy: Politics, Analysis, and Alternatives, CQ.PRESS..
11. Alessia Damonte, Claire A. Dunlop & Claudio M. Radaelli (2014) Controlling bureaucracies with fire alarms: policy instruments and cross-country patterns, Journal of European Public Policy, 21:9, 1330-1349.
۱۲. روستتاین، بو (۲۰۰۵)؛ دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد؛ ترجمه محمد فاضلی و همکاران، نشر آگه؛ چاپ دوم، ۱۴۰۱.
۱۳. کوزر، لوئیس (۱۹۹۲)؛ موريس هالبوواکس و حافظه جمعی؛ مهدی سلیمانی و لیلا طباطبائی یزدی؛ تهران؛ نشر سینا، چاپ اول، ۱۴۰۱.
۱۴. علامه مجلسی (۱۱۱۰ ق)، بحار الانوار.
15. The policy statement was published by in March 2020.



## گزیده سیاستی

ارزشیابی مردم‌محور به مطالعه قضاوت‌های مردم‌نسب به اقدامات حاکمیت می‌پردازد. در این گزارش به چیستی و بایسته‌های این ارزشیابی از منظر صاحب‌نظران مدیریت دولتی پرداخته شده است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir